

بسم الله الرحمن الرحيم

بینندگان محترم تقریباً ظهر ۶ اسفند ۱۳۹۹ در ادامه سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی دولت تدبیر و امید؛ در خدمت شاید مهمترین عضو کابینه دولت روحانی باشیم به نام دکتر محمدجواد ظریف؛ وزیر امور خارجه.

جناب دکتر ظریف سلام عرض می‌کنم خدمتتان

ظریف: بنده هم خدمت شما سلام عرض می‌کنم و تشکر می‌کنم از فرصتی که به من دادید و از سخن سخاوتمندانه‌ای که فرمودند.

مجری: متشکرم از محبتتان. عنوان برنامه‌ای ما آقای دکتر آن سوی دولت است و من تصور و باور نمی‌کنم به اندازه جنابعالی کسی آن سوی دولت در دولت آقای روحانی بداند. و خواهش ما این است که از آن سوی دولت به ما و مخاطبین بفرمایید. مشکل بزرگ ما با جنابعالی این است که تمام این هفت سال و اندی که شما وزیر خارجه بودید و حتی قبلش که دیپلمات ارشد ایران در سازمان ملل و در مقاطع مختلفه زندگی شما لحظه لحظه اخبار حساس و بسیار مهمی که ۹۹ درصد آن را شاید مردم هرگز نشنیده باشند، بوده و ما می‌خواهیم همه این را در قالب یک برنامه ۳ - ۴ ساعته به مردم عرضه کنیم. به همین دلیل خواهش من این است که سریع به اصل مطلب بروم. آقای دکتر شما می‌دانید که محبوبترین عضو کابینه آقای روحانی هستید. شاید از خودش هم محبوب‌ترید. این را خودتان متوجه شدید؟

ظریف: والا برای من هم نظرسنجی را می‌فرستند، مردم همیشه محبت دارند.

مجری: ولی من نظرسنجی‌ها را نمی‌بینم، ما کف خیابونی هستیم. ما جز امت شهید پروریم. می‌رویم قاطی مردم می‌بینیم که بیشترین علاقمندی به جنابعالی است. این از کجا می‌آید؟

ظریف: واقعا بدون شعار می‌گویم از لطف خدا. من در تمام زندگی کاریم تلاش کردم که کاری را انجام بدهم که احساس کنم به نفع مردم و کشور است و حرفم را بزنم و ملاحظه نکنم. البته شما فرمودید من وظایف حساسی داشتم. حتما مردم محرم هستند اما در دنیا امروز شما نمی‌توانید مستعین و مخاطبینتان را انتخاب کنید. وقتی صحبتی می‌کنید همه می‌شنوند. لذا زمانی که شما درگیر مذاکره هستید (مذاکره یک نوع تعامل در بازار جهانی است) یک دیپلمات نه پول دارد نه تفنگ. دیپلمات سلاحش مذاکره، گفت و گو، تونیت و بیانیه است و یک دیپلمات سلاح دیگری ندارد مگر اینکه بگوییم یک دیپلمات فقط کار روبنایی انجام می‌دهد و کار دیپلماسی هیچ اصالتی ندارد، اگر به این اعتقاد نداشته باشیم و

فکر کنیم دیپلماسی و حقوق بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی خودشان یک ابزار و اهرم قدرت هستند، باید بپذیریم که بالاخره دیپلمات در کاری که انجام می‌دهد باید ظرافت‌هایی را رعایت کند که یکی از آنها این است که طرف مقابل نباید همه پس پرده‌ها را بداند.

مجری: ولی الان داوری خودتان این است که هر چه در توان داشتید برای مردم انجام دادید. برای اینکه من وقتی به کارنامه شما نگاه می‌کنم در ۴۰-۴۲ سالی که شما همین شغل را انجام می‌دهید ولی مردم ۸ سال است که شما را می‌شناسند. در این ۷/۵ - ۸ سال همه این ذخیره فراهم شد و حتی این اواخر که شما کمی لحن‌تان تندتر هم شده و کمی رادیکال‌تر اظهار نظر می‌کنید وقتی با توده مردم صحبت می‌کنیم سعی می‌کنند لای سفید خطوط حرف‌های شما را هم بخوانند، این دست‌آورد کوچکی نیست.

ظریف: مردم واقعا لطف دارند. یکی به من پیغام داد که چرا شما در دولت بایدن هم به همان تندی دولت ترامپ صحبت می‌کنی.

مجری: بله این نکته‌ای است که خیلی مطرح است و اینکه شما هم شخصا با آقای بایدن رفیق بودید.

ظریف: رفیق که نه آشنا بودم. من پاسخ دادم این دولت چه تفاوتی در رفتارش با مردم ما دارد. من الان آنچه که می‌بینیم این است که مردم هنوز برای خریدن دارو، غذا و واردات مشکل دارند، بالای ۱۰ میلیارد پول ما در خارج بلوکه شده است.

مجری: بالای ۱۰ میلیارد دلار یا بالای ۱۰۰ میلیارد؟

ظریف: ۱۰۰ میلیارد که نیست. ما یکسری پول داریم که ذخیره ارزی است که هست.

مجری: یعنی برای بانک مرکزی است؟

ظریف: بله برای بانک مرکزی است. یکسری پول‌هایی داریم که برای فروش نفت بوده که باید به ایران برمی‌گشته.

مجری: مردم تفاوت این دو را تشخیص نمی‌دهند؟

ظریف: اینها را شما می‌دانید که اقتصاددان هستید. من وقتی PHD گرفتم فهمیدم یک حوزه کوچک از علم را بلدم. نزدیک ۱۰ میلیارد کره داریم، ۶-۷ میلیارد عراق داریم. اینها پول جاری ما است نه ذخایر ارزی، این پول‌ها قفل شده در خارج و از روزی هم که آقای بایدن آمده یک ماه و خورده‌ای گذشته و ما هیچ تحولی ندیدیم و همان طور که آقای رئیس‌جمهور امروز گفتند بالاخره ما باید یک اقدامی ببینیم حرف‌های خوبی زدند و ما از آن استقبال کردیم اما کار خوب باید ببینیم حتما در مقابل کار خوب عمل می‌کنیم لذا من احساسم

این است که وقتی که صحبتی می‌کنم باید معطوف به واقعیات بیرونی باشد نه معطوف به یکسری ملاحظه که یکی خوشش بیاید و یکی خوشش نیاید. فکر نمی‌کنم ما نه این دنیا و نه روز قیامت به این جواب بدهیم. باید جواب چیز دیگری را بدهیم.

مجری: آقای دکتر اگر از ابتدا شروع کنیم من تصورم این است که آقای ظریف کجاست؟ در ایالات متحده آمریکا در عنفوان جوانی؟

ظریف: تظاهرات روز قدس در آمریکا و در شهر ساکرامنتو مرکز ایالات کالیفرنیا. من در سانفرانسیسکو دانشگاه می‌رفتم تظاهرات روز قدس در ساکرامنتو بود اینجا یک اتفاق عجیبی افتاده بود. صدای من بلند است و برخی از صدای بلند من فکر می‌کنند من همیشه عصبانیم. همیشه وقتی در تظاهرات به ما اجازه بلندگو نمی‌دادند، من سخنگوی تظاهرات می‌شدم و از این خاصیت طبیعی استفاده می‌کنم. اینجا زمان گروگانگیری لانه جاسوسی است، ما در زمان تظاهرات قدس یا تظاهرات حمایت از مردم فلسطین^۵ آن زمان شاید روز قدس راه نیفتاده بود.

مجری: پس خیلی اوایل انقلاب بود؟

ظریف: بله اول اول انقلاب بود. من از اینجا می‌فهمم که عکس موسی صدره، از نوع عمامه‌اش من متوجه می‌شوم. زمان گروگانگیری هم بود. کارگران ساختمانی تند آمریکایی با باتوم و کلاهشان آمده بودند دور را گرفته بودند و پلیس هم اجازه بلندگو به ما نداده بود و این بلندگو را هم از ما گرفتند.

مجری: آقای که بغل هستند کیه؟

ظریف: یکی از آقایان انجمن اسلامی آنجاست که الان هم فکر می‌کنم آمریکا باشد. از برادران خوب و خوش قلب ما است. آن وقت فکر می‌کنم ۱۹ سالم بود.

مجری: گذر زمان به قیمتتان اضافه کرده حتی به لحاظ ظاهری. آقای دکتر جنابعالی باید خیلی سال باشد که آقای روحانی را باید بشناسید.

ظریف: آقای روحانی را از ابتدای مذاکره ۵۹۸ می‌شناسم.

مجری: یعنی از سال ۱۳۶۷؟

ظریف: بله. که بنده به عنوان مشاور دکتر ولایتی در مذاکرات شرکت می‌کردم. آقای دکتر روحانی به عنوان رئیس کمیسیون دفاعی و نایب رئیس مجلس بودند. دکتر ولایتی چندین کمیته درست کرده بود برای اینکه کارها پیگیری شود آقای دکتر روحانی رئیس کمیته آتش بس و عقب نشینی بودند در مذاکرات.

مجری: برای دولت یازدهم اولین بار کی ایشان را ملاقات کردید. یعنی غیر از شما کاندیدای دیگری هم بود، بحث دیگری هم داشتند؟ .

ظریف: بعد از اینکه سال ۱۳۸۹ از وزارت امور خارجه بازنشسته شدم البته از سال ۱۳۸۷ که از نیویورک برگشتم کاری نداشتم و علاقه‌ای هم نداشتم کار بکنم.

مجری: با دولت قبلی؟

ظریف: بله با دولت قبلی. دو سالی هم که نیویورک بودم به اصرار مقامات عالی کشور آنجا بودم وگرنه آقای دکتر احمدی نژاد علاقه زیادی به بنده نداشتند.

مجری: اجازه داریم پرسیم این مقامات عالی‌یه یعنی کی؟

ظریف: بالاتر از آقای دکتر احمدی نژاد می‌شود دیگر .

مجری: یعنی مقام معظم رهبری.

ظریف: بله .

مجری: این ظرایف خوب است. در عین حال که الان خیلی امنیتی نیست، می‌شود راجع بهش صحبت کرد. ولی اهمیت دارد.

ظریف: آقای دکتر احمدی نژاد در اولین سفرشان به نیویورک که حدود دو هفته بعد از ریاست جمهوری شان بود.

مجری: سال ۸۴؟

ظریف: بله . آقای احمدی نژاد در جلسه‌ای گفته بودند که باید ظریف را بردارید و آقای دکتر متکی و لاریجانی ایشان را راضی کرده بودند که این کار نیاز به هماهنگی دارد.

مجری: یعنی جنابعالی از همان زمان مورد توجه ویژه قرار داشتید؟

ظریف: بله.

مجری: جنابعالی هم با آقای دکتر روحانی کار کردید. هنوز هم این سوال را جواب نگرفتم که اولین ملاقاتتان برای دولت جدید چه بود؟

ظریف: بعد از اینکه من بازنشسته شدم مدت خیلی کوتاهی در دانشگاه آزاد اسلامی معاون بین الملل آقای دکتر جاسبی بودم.

مجری: مثل این می ماند که یک تریلی هزار قوا اسب را با آن یک ۵۰ کیلو بار جابه جا کنیم.

ظریف: بهر حال من خودم را دانشگاهی می دانم

مجری: مظهر اتلاف منابع همین است.

ظریف: ۴ ماه بیشتر دوام نیاوردم و بیرون آمدم و بعد هم به مرکز تحقیقات استریک رفتم و به عنوان مشاور آقای دکتر روحانی در جلسات شورای معاونین مرکز حضور داشتم. حدود دی ماه و قبل از اینکه آقای دکتر روحانی کاندیدا شوند به من گفتند که من قصد دارم کاندید شوم و تو هم باید مسئولیت وزارت خارجه را قبول کنی البته چند کاندیدای دیگر هم چنین پیشنهادی را از تابستان به من داده بودم و من آنها را صد درصد رد کرده بودم .

مجری: یعنی از ابتدا آقای روحانی راجع به شما تردید نداشت؟

ظریف: تقریباً خیر.

مجری: یعنی قبل از اینکه خودش کاندیدا شود پیشنهادش را به شما داده بود؟

ظریف: بله.

مجری: آقای قالیباف هم چنین پیشنهادی داده بود؟

ظریف: بله . من نرفتم خدمت ایشان ولی ایشان تابستان دو نفر را فرستادند که به من بگویند رئیس کمیته سیاست خارجی ستاد آقای قالیباف بشوم و بعد هم وزیر امور خارجه که من گفتم علاقه‌ای به وزیر امور خارجه شدن ندارم حتی اگر ایشان هم رئیس جمهور بشود و پیشنهاد کند به راحتی نمی‌پذیریم.

مجری: برای چه آقای روحانی را پذیرفتند اما آقای قالیباف را نه؟ هر دو هم به یک اندازه محتمل بود که رئیس جمهور بشوند؟

ظریف: آقای روحانی را هم نپذیرفتم. آقای روحانی دی مطرح کردند، خب من کارمند ایشان بودم ، خدمت ایشان می‌رفتم.

مجری: آقای دکتر می‌ترسیدید حقوقتان را قطع کنند؟ (با خنده)

ظریف: حقوق زیادی نمی‌گرفتم. حقوق بازنشستگی بیشتر می‌گرفتم. راستش را بگویم من ملاحظاتی در مورد مسئولیت دارم که خیلی نمی‌خواهم وارد آن ملاحظات شوم.

مجری: اختیار می‌خواهید؟

ظریف: نه نه ، اصلا از این ملاحظات نیست، من اصلا اهل شرطی کردن نیستم. از آقای روحانی هم پرسید من نه هیچ شرطی نه در دور اول و نه در دور دوم نگذاشتم.

مجری: ایشان چه؟

ظریف: ایشان هم خیر. من نمی خواستم این کار را بپذیرم دوستان هم می دانند که چرا نمی خواستم بپذیرم اما به خاطر شرط نبود.

مجری: اما هنوز هم نمی شود بگویید چرا نمی خواستید بپذیرید؟ این مذاکرات بعد از دولت آقای روحانی منتشر می شود.

ظریف: راستش بعضی کارهایی که آدم می پذیرد باید پاسخگو در برابر خداوند باشند. من واقعا نگرانم شاید به قدری ترسوام و از خدا کمی می ترسم. اعتقاد ندارم ۱۲۴ هزار پیغمبر همه شان دروغ گفتند و یک قیامتی هست لذا یک خورده این است و کمی هم واقع بینی بود که هم به آقای خاتمی گفتم و هم به آقای روحانی قبل از اینکه نامزد شود. آقای خاتمی هم در ذهنشان بود و من هم افتخار داشتم آن زمان در جلسات سیاست خارجی آقای خاتمی حضور داشتم.

مجری: سال ۷۵ یا ۷۶؟

ظریف: نه همین سال ۹۱ - ۹۲. وقتی من از نیویورک برگشتم قبلش من کارمند آقای خاتمی بودم و ایشان من را به نیویورک فرستاده بودند به عنوان سفیر و بعد هم برگشتم در جلساتی که روز دوشنبه آقای خاتمی برای سیاست خارجی داشتند مرتب شرکت می کردم. حالا شما دلیل مادی اش را می خواهید. قبل از ثبت نام ریاست جمهوری هر دو بزرگوار به من گفتند خب نظرت چیست و من گفتم یک گروهی کشور را در یک چاهی انداخته و آن چاه چاه هسته ای است.

مجری: که می شد از آن پرهیز کرد.

ظریف: ما در دور قبل در مذاکراتی که آقای دکتر روحانی مسئول مذاکرات بود و من هم کار آقای عراقچی را می کردم وقتی مذاکره کننده اصلی بودم، پرهیز کردیم. بی بی سی گزارش کرده بود که ایران در شرایطی قرار گرفته که باید انتخاب بکند بین تسلیم یا شورای امنیت.

مجری: و پیشرفت هسته ای هم کمتر نبود؟

ظریف: بعد از آن پیشرفت هسته ای ما کمی بود، کیفی نبود. من گفتم که این دولت (دولت نهم و دهم) ما را در شرایطی قرار داده که بیرون آمدن از این شرایط هزینه فراوانی خواهد داشت و اگر این کار را کسی غیر از این بزرگواران انجام بدهد، قطعا متهم خواهد شد و برای کشور بهتر است که اینها انجام دهند.

مجری: یعنی شما شرایط فعلی را پیش بینی می‌کردید؟

ظریف: بله من روز اول به آقای عراقچی و روانچی گفتم که ما در این وادی برای قربانی شدن آمدم برای قهرمان شدن نیامدم. به آقای دکتر آشنا هم که خیلی اصرار می‌کرد قبل از اینکه من بپذیرم به ایشان هم گفتم این وادی قهرمانی ندارد و فقط قربانی دارد. لذا از ابتدا من تقریباً یقین داشتم.

مجری: امیدوارم آقای جلیلی و خانم اشتون آنقدر نزدیک نبوده باشند که در عالم واقع به هم. ظریف: بستطیر بالله.

مجری: شایعه بود که خانم اشتون آقای جلیلی را از پا انداخت شما را از کمر

ظریف: آن کسی که من را از پا انداخت آقای حسین آقای شریعتمداری بود (با خنده). حسین آقای شریعتمداری یک تیتری در کیهان زد که من شب قبل گفته بودم این تیتر خلاف واقع است و من فکر نمی‌کردم این تیتر را بزند که وقتی این تیتر را زد چنان فشاری به من آمد که من دچار اسپاسم عضلانی شدم.

مجری: آن تیتر چه بود؟

ظریف: ظریف گفت ملاقات من با کری نابجا بود در صورتی که من این حرف را نزده بودم.

مجری: پس شما با چشم باز قربانی شدن را می‌دانستید؟

ظریف: بله می‌دانستم

مجری: شما الان فکر می‌کنید که آن نگرانی اتفاق افتاده؟

ظریف: گروهی هیچ ملاحظه‌ای در تلاش برای قربانی کردن ما نکردند اما هم لطف خدا و هم حمایت‌های مقام معظم رهبری و هم لطف رئیس جمهور، حمایت رئیس جمهور و هم حمایت مردم.

مجری: می‌گویند نفرین بر دهانی که بی‌موقع باز شود. من سر مزاحی با خانم اشتون کردم شما کلامتان ناتمام ماند که چرا قالیباف را نپذیرفتید و سرانجام پیشنهاد آقای روحانی را پذیرفتید و نقش آقای هاشمی چه بود؟

ظریف: راست راستش را بگویم این بود که آقای روحانی یک بار هم وقتی ثبت‌نام کردند از من خواستند به ستاد بروم که نرفتم بعد از اینکه ایشان در روز شنبه انتخاب شدند تا روز سه شنبه من به مرکز تحقیقات نرفتم.

مجری: یعنی سر شغل اصلی‌تان هم نرفتید؟

ظریف: نرفتم. سه‌شنبه برای تبریک رفتم و ایشان دوباره فرمودند. من ۲ - ۳ پیشنهاد را به ایشان فرمودم. اجازه بدهید اسامی را نگویم. ایشان نپذیرفتند، من هم در خدمت شما هستم و کمک کنم و ایشان نپذیرفتند و از من خواستند در کمیته‌ای که مسئول سیاست خارجی بود کمک بکنم و من مسئول نوشتن برنامه سیاست خارجی شدم. دوستان دیگر مانند دکتر واعظی، ابوطالبی بودند و چند تن از اساتید دانشگاه.

مجری: و همه هم به دولت منتقل شدید.

ظریف: بله کم و بیش.

مجری: حالا این سه اسم بزرگوار.

ظریف: بله منتقل شدیم و برخی از اساتید هنوز عاقب بخیرند و کار دانشگاهی‌شان را دارند. من شروع به این کار کردم و دکتر روحانی به من فرمودند که یک طرحی برای حل مشکل هسته‌ای بنویس. من طرحی را تهیه کردم البته آن زمان من از مذاکرات عمان خبر نداشتم. تقریباً نوشتن طرح را تمام کردم که آقای دکتر روحانی آقای حاجی معاون دکتر صالحی را نزد من فرستادند و پرونده‌های مذاکرات عمان را برای من آوردند.

مجری: وقتی می‌فرمایید آقای صالحی و حاجی یعنی معاون وزیر خارجه؟

ظریف: بله معاون وقت وزیر خارجه که مسئول مذاکرات عمان بود و با آمریکایی‌ها در عمان مذاکره بود نزد من فرستادند، این دو کار را انجام می‌دادم یعنی یکی سیاست خارجی دولت تدبیر و امید را می‌نوشتم و فکر می‌کردم یکی از آقایان آن را ارائه می‌دهد و یکی هم هسته‌ای را می‌نوشتم در برنامه هسته‌ای پیشنهادم این بود که خود رئیس جمهور رأساً خودش مسئول پرونده هسته‌ای شود نه شورای امنیت و نه وزیر امور خارجه، خود رئیس جمهور باشد. حسب مورد این بود که این تکه را تو برو مذاکره کن و این تکه را فلان شخص.

مجری: و حتما نگاه شما با آقای روحانی در این پیشنهاد تأثیر داشت؟

ظریف: بله می‌دانستم ایشان یک بار بحث هسته‌ای را انجام داده. بلد است و یک بار در مذاکرات بوده. مشغول انجام این کار بودم که آقای روحانی دوباره من را خواستند و گفتند که قبول کن و راجع به تو با آقا هم صحبت کردم و آقا هم خیلی راحت پذیرفته‌اند. من باز هم نپذیرفتم. به خانه رفتم. مأمّن من خانه است و من اهل گپ و گعده نیستم. بهترین رفقای من خانم و بچه‌هایم هستند. به خانه رفتم و به آنها پناه بردم که دارند به من فشار می‌آورند و چه کار کنیم. برای اولین بار در عمرم خانم گفت بپذیر.

مجری: می‌دانید آقای دکتر از کجا حدس زدم؟ از آنجا که در سال ۹۲ یک امید عجیبی پدید آمده بود، هیچ کس یادش نیست.

ظریف: گفت ببین مردم در خیابان چقدر خوشحالند. تو اگر یک توانی داری حق نداری در اختیار این مردم قرار ندهی. این حرفی بود که خانم به من زد و من خلع سلاح شدم و گفتم دیگر هیچ جایی ندارم به آن پناه ببرم و از فردا شب باید به هتل بروم.

مجری: آقای هاشمی چه نقشی داشتند؟

ظریف: آقای ناطق من را خواستند و اصرار کردند. آقای هاشمی خودش را نگه داشته بود که اگر من نپذیرفتم من را صدا کند. بعد از آن آقای ناطق بزرگواری کرد. در دوره مذاکره من را صدا می کرد و به من قوت قلب می داد که داری کارت را درست انجام می دهی.

مجری: آقای دکتر مقام معظم رهبری ، آقای روحانی، آقای ناطق و آقای خاتمی... در واقع شما مخلوق و محصول اجماع ملی بودید. آدم مهمتر از این ها را که نمی شناسیم.

ظریف: شاید. بله اجماع عقلا.

مجری: آقای دکتر با این همه تجربه که دارید می توانید مقایسه ای بین برجام و ۵۹۸ بدید. مردم یادشان می رود و این برنامه، برنامه تاریخ است و نگاه تاریخی به موضوع دارد. کدام سخت تر بود و کدام دستاورد بزرگتری داشت؟

ظریف: من در هر دو بودم. حتما برجام دستاورد بسیار بزرگ تاریخی است و بزرگتر از ۵۹۸ است. ۵۹۸ تفاوتی داشت آنها که در ۵۹۸ مذاکره می کردند حتما در زمان مذاکره از پشت خنجر نمی خوردند. بعدا خیلی بهشان ناحق گفته شد، به استاد عزیزم جناب دکتر ولایتی که من در خدمت ایشان بودم و ایشان هم در ۵۹۸ خیلی مقاومت کرد. بعدا حرف هایی زدند که با واقعیات سازگاری نداشت. بعدا اگر کسی بررسی کند که چرا ما ساعت ۲ بعد از نصف شب نامه ای پذیرش ۵۹۸ را دادیم. من لحظه به لحظه آن را یادم هست. چون من در نیویورک بودم و تحت فشار. ما صبح دوشنبه قرار بود قطعنامه مربوط به ایرباس در شورای امنیت تصویب شود.

مجری: ایرباس توسط نیروهای آمریکایی ؟

ظریف: بله . به ما یکشنبه شب گفتند. آقای ولایتی تا پنج شنبه نیویورک بود و آقای ولایتی قبل از آن برای موضوع ایرباس آمدند. ۵۹۸ تیر پشت نداشت.

مجری: در اینجا از روز اول داشت؟

ظریف: بله از روز اول. ما با آن مواجه بودیم. ۵۹۸ اولین قطعنامه فصل هفتی شورای امنیت بود. ما با این قطعنامه با دید بلند امام و ریاست جمهوری آقای خامنه ای بودند توانسته بودیم یک سال این قطعنامه فصل هفتی را ادامه دهیم و گرفتار قطعنامه تحریم نشویم. یعنی ما سال

۶۷، ۵۹۸ را پذیرفتم یعنی در دی ماه ۶۶ اینها داشتند قطعنامه دوم را برای ما تصویب می‌کردند. ما یک کار خیلی جدی دیپلماتیک کردیم و مانع از این شدیم که قطعنامه دوم یعنی ما در قطعنامه ۵۹۸ هیچ وقت تحریم نشدیم. ولی داشتند می‌گفتند چون ایران ۵۹۸ را نپذیرفته و علیرغم اینکه ما قربانی جنگ بودیم داشتند ما را تحریم می‌کردند، ما مانع شدیم و بالاخره در تیر ۶۷ ۵۹۸ را تصویب کردیم. اینجا اگر بخواهیم هسته‌ای را با ۵۹۸ مقایسه کنیم ما یک بیانیه شورای امنیت بود و قطعنامه اول ۱۶۹۶ بود که در سال ۸۵ تصویب شد، از سال ۸۵ تا سال ۹۲، ۶ قطعنامه فصل هفتی، تحریم‌های شدید بین‌المللی، ...

مجری: هر ۵ عضو شورای دائمی شورای امنیت؟

ظریف: همه رأی مثبت داده بودند.

مجری: یعنی شامل روسیه و چین

ظریف: روسیه و چین

مجری: ما هفت سال موافقتی از روسیه و چین با غرب نمی‌بینیم

ظریف: نه. روسیه یک قطعنامه در مورد یمن را وتو کرد. هفته گذشته روسیه بندی که آمریکایی‌ها می‌خواستند در مورد یمن وارد قطعنامه بکنند را مانع شد.

مجری: شما در مورد اینکه در سال ۸۴ چه چیزی تحویل دادید و در سال ۹۲ چه چیز تحول گرفتید صحبت می‌کنید.

ظریف: در سال ۸۴ ما غرب را در مقابل غرب قرار داده بودیم، نه تنها روسیه و چین را. ما سال ۸۴ وقتی که در نوامبر ۲۰۰۴ یعنی آذر ۸۳ به پاریس رفتیم و توافق پاریس را انجام دادیم و دو هفته بعد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اولین بار نوشتند که دیگر موضوع ایران به عنوان موضوع دستور کار نخواهد بود بلکه زمانی که لازم بود به آن می‌رسند که تا خرداد ۸۴ هم به آن نپرداختند، آمریکا آمد و در برابر ۳ کشور اروپایی ایستاد.

مجری: آلمان، انگلیس و فرانسه.

ظریف: بله. یک چیزی داشتیم به اسم e3 یا ای ۳ و بعد از اینکه ما به شورای امنیت رفتیم ۱+۵ شکل نگرفت، ای ۳ پلاس ۳ یعنی سه کشور اروپایی و سه کشور دیگر شکل گرفت. چرا این ۳ کشور شکل گرفت؟ بخاطر اینکه این ۳ کشور اعضای دائم شورای امنیت بودند که حالا باید وارد می‌شدند.

مجری: غیر از آلمان.

ظریف: نه آلمان جزو ای ۳ بود. به اضافه ۳ آمریکا و روسیه و چین بود. چرا اینها وارد شدند؟ چون پرونده ما به شورای امنیت رفت؟ چرا در زمانی که ما مذاکره می کردیم آقای دکتر روحانی پرونده ما ای ۳ بود و ۳ کشور دیگر نبودند؟ چون پرونده ما در شورای حکام بود.

مجری: به قول ما اصفهانی‌ها مسئله بین‌المللی و شورای امنیتی کردیم.

ظریف: شورای امنیتی کردیم. آن زمان در مقابل ای ۳ اروپا، آمریکا یک گروهی به اسم G4 درست کرد که در شورای حکام تندروی بکنند و جلوی اینها بایستند و در این بازی هم آن زمان ما آمریکا را شکست دادیم و دوباره هم توانستیم آمریکا را شکست بدهیم یعنی ما از شکست آمریکا تحویل دادیم با پیروزی آمریکا که هر چه ارائه می کرد ۵ رأی اتوماتیک اعضای دائمی...

مجری: من ندیدم هیچ وتوی صورت گیرد.

ظریف: وتو کدام است. رأی مثبت. حتی ممتنع هم نه.

مجری: آقای دکتر پشت این داستان چه بود؟ آیا منفعت بود؟ آیا گروهی از اینکه ایران را به انزوا بکشند سود می‌بردند؟

ظریف: من فکر می‌کنم شناختن تحولات بین‌المللی بود.

مجری: آقای دکتر متکی را شما متهم به این می‌کنید که نمی‌شناخت؟

ظریف: من که به فرد کار ندارم به سیاست کار دارم.

مجری: جنابعالی فرمودید که گفتید من به تو کار نمی‌کنم. آقای دکتر متکی را ان‌شاء الله به شرافتمندی کمتر از شما نمی‌شناسیم. می‌توانست بگوید که من اینجوری کار نمی‌کنم.

ظریف: من بارها با آقای متکی صحبت کردم ایشان گفت که من تلاشم را می‌کنم که حداقل خسارت وارد شود. البته من فکر نمی‌کنم ایشان در مورد پرونده هسته‌ای هم نظر بنده بود. ایشان احتمالاً هم نظر دکتر احمدی نژاد بودند.

مجری: من هم همین را عرض می‌کنم.

ظریف: چرا اینطور است؟ الان هم نصف جامعه ما مانند آقای دکتر احمدی نژاد و آقای دکتر جلیلی فکر نمی‌کنند.

مجری: فکر می‌کنند، قسمت کمی.

ظریف: نه، آن گروه کم نیستند. جامعه تصمیم گرفته در مجلس رأی ندهد و این آقایون رفتند. این آقایان هم نماینده‌اند. ما دو انتخاب داریم. یا انتخاب می‌کنیم رأی بدهیم و وقتی انتخاب می‌کنیم رأی ندهیم آن کسی به مجلس می‌رود که رأی دادند. ۲۲۱ نفر آمدند این حرف را زدند. مجری: شما این عدم مشارکت در انتخابات چه توسط احزاب و چه مردم را نتیجه آن می‌دانید؟ ظریف: بله این نتیجه آن است. من معتقدم وزن لیستی سال ۹۸ از گروه‌های مختلف به هیچ وجه وزنش کمتر از سال ۹۴ نیست. ولی خب مردم تصمیم گرفتند شرکت نکنند. مجری: من طرفدار شرکت بودم.

ظریف: من هم بودم و خیلی هم تلاش کردم که دوستان را قانع کنم ولی شکست خوردم. مجری: آقای دکتر واقعا دلوپسان محترم واقعا اینطور فکر می‌کنند؟ ظریف: بسیاری‌شان.

مجری: سرتاپلاس نورث اقتصاد دان بزرگ بریتانیایی معتقد بود که ما همه تخت بند منافع مان هستیم. من همین جا به دوستانمان می‌گم من نانم در صلح و آرامش است. من در صلح و آرامش بهتر کاسبی می‌کنم تا در دعوا. واقعا اینها اینطور نیستند.

ظریف: من نانم در دعواس ولی دنبال دعوا نیستم (با خنده) اگر دنیا در صلح باشد دیگر دیپلمات نیاز ندارد (با خنده) آن وقت من مثل یک وزیر بی نام و نشان می‌شوم. وقتی دعواس شما معروف می‌شوی. من اعتقاد دارم معتقدم منافع اقتصادی هست، منافع سیاسی هست. باورم هم هست. ما هنوز جهان را بر اساس مدل دوقطبی جنگ سردی می‌بینیم.

مجری: بله ولی آقای دکتر تصادفا منافع‌مان در آن است و تصادفا چیزی گیرمان می‌آید از این دعوا.

ظریف: بله

مجری: اگر من در محیط آرام بین‌المللی کار کنم آن وقت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، شخصا جناب دکتر ظریف مسئول پیشبرد اقتصاد ایران خواهند بود. مسئول پیشبرد فرهنگ و مسئول پیشبرد زبان فارسی خواهند بود.

ظریف: ما به اندازه کافی تفاوت داریم و نباید این تفاوت‌ها را کنار بگذاریم. ما یک هویتی داریم که به ما قدرت می‌دهد اما ما نیاز به تنش نداریم. من به شما بگویم چرا روسیه و چین به آمریکا پیوستند؟ تا شب قبل از رأی...

مجری: کدام رأی؟

ظریف: قطعنامه ۱۶۹۶ سال ۸۵، تا شب قبل از رأی، آقای دکتر لاریجانی دبیر شورای امنیت ملی فکر می کردند روسیه رأی منفی خواهد داد. و تو خواهد کرد.

مجری: ما هیچ خبری ازشان نداشتیم، مذاکره‌ای نداشتیم. معذرت می خواهم من با آقای لاریجانی رفیقم ولی اینقدر ساده لوحانه!

ظریف: اشکال سر این است که ما دنیا را با معیارهایی می‌سنجیم که این معیارها جواب نمی‌دهد. ما همین امروز فکر می‌کنیم که روسیه و چین با یک نگاه ژئواستراتژیک باید بیایند و کنار ایران بایستند و با آمریکا بجنگند در صورتی که روسیه و چین و بخصوص چین رقابت خودش را با آمریکا در حوزه تکنولوژی تعریف کرده نه در حوزه ژئواستراتژیک. بخاطر اینکه آمریکا ۷۸۰ میلیارد دلار هزینه نظامی می‌کند چین ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه نظامی می‌کند. بنابراین برای آمریکا می‌صرفد که هر دعوایی را امنیتی بکند، در حوزه امنیتی آمریکا مزیت نسبی دارد. من علمی صحبت می‌کنم، به شاخ گاو نجسب به پستان گاو بجسب. آمریکا دولتی است که از دهه ۹۰ میلادی تلاش کرده که نگرانی برآمدن چین به عنوان یک اصل در آمریکا مطرح شد و به عنوان جلوه کردن یک پدیده نومحافظه کاری انجامید که هر موضوعی را امنیتی بکند چون در امنیتی شدن، آمریکا منفعت دارد. ما هم به خاطر اینکه گروهی در کشورمان منافع دارند در اینکه همه چیز امنیتی شود چون نقش آنها برجسته می‌شود. در صورتی که مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سلاح نیست، مزیت نسبی جمهوری اسلامی در امنیتی شدن نیست، مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران در حوزه قدرت معنایی است.

مجری: پس اقلیتی هستند؟

ظریف: بله. اقلیتی هستند که توان ایجاد یک موج گسترده هم دارند. من یک بار حرفی زدم که خیلی‌ها بهشان برخورد گفتم که ما خودمان انتخاب کردیم. مردم ما قهرمان‌پرستند. مردم ما دنبال پیروزی‌اند و وقتی یک نفر یا پیروز می‌شود یا قولش را می‌دهد یا اینگونه ارائه می‌شود که پیروز شده، مردم او را می‌پسندند. انتخاب می‌کنند، این انتخاب است. شما در هر لحظه از زندگی انتخاب می‌کنید. شما به پای صندوق رأی نمی‌روید، انتخاب کردید این نیست که انتخاب نکردید، شما در فلان جلسه شرکت نمی‌کنید انتخاب کردید، می‌روید انتخاب کردید. کسی تفنگ پشت سر شما نگذاشته.

مجری: الان انتخاب مردم ایران جنابعالی است، این را چه کار کنیم؟ این را در چطور می‌توان در ساختار فکری که شما تعریف می‌کنید توضیح داد؟ چطور می‌توان توضیح داد که ملت ایران قدر همه این ۴۲ سال زنج شکیدن و زحمت را از آن سخنرانی با صدای بلند در سال ۵۸ گرفته تا کاری که پریشب کردید در بیانیه سازمان انرژی اتمی و آقای رافائل گروسی

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اینها را وقتی قدر می‌شناسه، هر چقدر آقای دکتر ظریف لحنش را عوض می‌کند، هر چقدر عقب می‌نشیند و هر چقدر رادیکال می‌شود، مردم عقب نمی‌آیند. آیا اینطور نیست که مردم گاهی نارضایتی‌شان را از طریق رأی ندادن یا رأی‌شان را از طریق شرکت نکردن ارائه می‌دهند.

ظریف: این به نظر راه خوبی نیست.

مجری: من هم با نظر شما موافقم.

ظریف: مردم انتخاب کردند. مردم آنچه را که دارد اتفاق می‌افتد را انتخاب کردند. شرکت نکردن هم نوعی انتخاب است و نتیجه آن انتخاب را هم داریم می‌بینیم که ۲۲۱ نفر رأی دادند که من و آقای رئیس‌جمهور به زندان برویم.

مجری: برای شما خود مکانیسم انتخابات مهم است و گرنه وقتی به من بگویند ۴۳ درصد مردم برای اولین بار در ۴۲ سال در انتخابات شرکت کردند من دلم می‌شکند. من می‌گویم عشق من به این نظام برای مردمی بودنش است.

ظریف: بله من هم همین‌طور هستم. من معتقدم این نظام نباید فراموش کند که قدرت ما، جز مردم نیست. یک بار من این حرف را زدم و مدت‌ها تکفیر شدم که من گفتم قدرتمان در موشکمان نیست، حتما قدرت موشکی آمریکا از ما بیشتر است. قدرت هسته‌ای آمریکا از ما بیشتر است. اما چه چیز باعث شد ما سر پا بایستیم؟ چه چیز باعث شد ما در مقابل صدام بایستیم؟ سرلشکر باقری دیروز در یک جلسه‌ای مربوط به ابعاد حقوقی دفاع مقدس گفتند که در طول جنگ، عراق یک بار تسلیحاتش کاملاً نو شد. چی بود جنگ؟ تسلیحات بود یا مردم بودند؟ چرا ما نقطه قوت خودمان را یادمان رفته؟ چرا ما از نقطه قوتمان برای حوزه‌هایی هزینه می‌کنیم که در آن رقابت نداریم. ما در قدرت معنایی و در مشروعیت مردمی‌مان و در حضور مردم قدرت داریم. اینها به ما قدرت می‌دهد. شاید شما اقتصاددانان سخت‌تان باشد اینها را بپذیرید ولی اویی که به ما قدرت می‌دهد فقط مسلسل، پول و چاه نفت نیست. اویی که به ما قدرت می‌دهد ایده، استقلال و حمایت مردمی است. نمی‌گویم اینها قدرت نمی‌دهد.

مجری: یعنی شما به حضور مردم تقدس می‌دهید.

ظریف: من حضور مردم را مایه امنیت ملی می‌دانم.

مجری: اگر این حضور منوط به حضور دکتر ظریف در انتخابات سیزدهم باشد چه؟ علیرغم عدد نحسش (با خنده)

ظریف: حضور مردم بسیار مهم است.

مجری: آقای دکتر خواهش می‌کنم صراحتاً به من بگویید.

ظریف: من صراحتاً می‌گویم. برای من اینکه محبوبم حجت شرعی نیست که بتوانم کشور را اداره کنم.

مجری: آقای روحانی امروز ششم اسفند در سخنرانی‌شان گفتند آخه این چه سیستمی است که یک نفر را بگذاریم رئیس جمهور و از همان روز اول به او فحش بدهیم و نگذاریم کار کند. مردم چه انگیزه‌ای خواهند یافت برای اینکه پای صندوق بیایند. شما هم همین را به تعبیری می‌گویید؟

ظریف: خیر. تیم یگ ملاحظه است که فردی مثل دکتر روحانی که در خود توان اداریه کشور را می‌دیده برای همین حجت را بر خودش تمام دیده که بیاید و کاندید شود و نامزد شود و رئیس جمهور شود، می‌گوید. این یک مشکل است. این دلیل آمدن یا نیامدن نیست، دلیل فرار از صحنه نیست. من آدمی نیستم که در این ۴۰ سال راحت طلبی کرده باشم. من ۶۱ سالمه و از ۱۹ سالگی هم کنسولگری ایران در سرانفرانسیسکو را گرفتیم.

مجری: مشروب‌ها را مشارکت کردید ریختید در جوی آب؟

ظریف: برادران دیگر زحمتش را کشیدند.

ظریف: دنبال عافیت‌طلبی نیستم. از الان تا زمان انتخابات وزیر خارجه باید بتواند از طرف کشور صحبت کند و الان دوره حساس است. شرایطی که امروز است ۶ ما دیگر تکرار نمی‌شود. اشتباهی که دوستان ما در ایران می‌کنند این است که خیال می‌کنند اگر مانع شوند این دولت عمل کند ۶ ماه دیگر همه چیز سر جایش است و آنها می‌آیند و افتخار حل و فصل مشکلات اقتصادی را به خودشان اختصاص می‌دهند. دوستان ما حالیشان نیست که ۶ ماه دیگر دنیا یک دنیای دیگر است. ما در مورد خداوند متعال می‌گوییم «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» دنیا در حال عبور و حرکت است. آقای ترامپ روز ۵ و ۶ نوامبر ۲۰۱۶ با ترامپ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ دو تا آدم بودند. در ۳ ماه بین انتخاب تا قدرت گرفتنش عربستان سعودی از یک نیروی من منفور نزد ترامپ تبدیل شد به یک گرانبه سیاست خارجی ترامپ. دنیا ثابت نیست و متحرک است. کنشگران در حال عملند و این چند ماه، چند ماه حیاتی است و من می‌خواهم این چند ماه به سیاست خارجی بپردازم. نمی‌خواهم سیاست خارجی را با سیاست داخلی مخلوط بکنم.

مجری: یعنی حتی اگر شما هیچ علاقه‌ای نداشته باشید که در رقابت‌ها شرکت کنید اما اجماع ملی و تدبیر نظام بر این قرار بگیرد که آقای ظریف رئیس جمهور بشود، شما نخواهید پذیرفت.

ظریف: من بارها گفته‌ام من با خداوند سر جدال ندارم. دنبال این کار نیستم.

مجری: دوست دارید رئیس جمهور ایران بشوید یا نه؟

ظریف: نه. تمایل ندارم.

مجری: آن شب‌ها که مردم می‌ریختند در خیابان و جشن می‌گرفتند به دلایلی که شاید محکمتر از شما باشد در بین مردم بودم و حتی گریه می‌کردم و الان هم متأثر می‌شویم.

ظریف: من هم متأثر می‌شوم.

مجری: شما در خودتان این را می‌بینید که دولت را اداره کنید یا نه؟ می‌دانید چرا؟ بدون رودربایستی. من یادم هست سال ۷۶ که می‌خواستیم آقای خاتمی را قانع کنیم که رئیس جمهور شوند در مسائل اقتصادی آقای خاتمی گفت من حرف نمی‌زنم من خوب بلد نیستم هر چه کارشناسان بگویند و این باعث شد که بالاترین نرخ رشد اقتصادی در این دولت به دست بیاید. اگر آقای دکتر ظریف همین رویکرد علمی خودشان را که می‌گویند من همین یک تکه را بدم به کل دولت تعمیم دهند به کل دولت تعمیم دهند فکر نمی‌کنید ایران بهتر نتیجه بگیرد تا اینکه ما دوباره یک تلاطم جدید را تجربه کند یا اینکه واقعا نمی‌توانید؟

ظریف: پذیرش هر مسئولیتی، بار است و بسیار سنگین است و آدم پاسخگو است. این دنیا می‌گذرد و آن دنیا بین شما و خدا است و شما می‌گویید من می‌توانستم این کار را بکنم و نیامدم، باید پاسخگو باشید. نمی‌توانستم پس چرا به میدان آمدم. واقعا برای من این حجت، قاطع نیست بین خودم و خدا.

مجری: که کاندیدا شوید؟

ظریف: بله من الان احساس می‌کنم بزرگترین نیاز این کشور اجماع است، بزرگترین نیاز این کشور یکپارچگی است.

مجری: آقای دکتر ظریف جنابعالی می‌فرمایید مقام معظم رهبری حداقل از سال ۸۶ به بعد حواسشان به صورت ویژه به شما است. چه اجماعی بالاتر از این که مردم، رهبری، جناح‌های سیاسی...

ظریف: یک سیب از درخت که می‌افتد هزار چرخ می‌خورد تا به زمین بیفتد. من الان تمام توجهم به این است که در مورد تجربه دولت خدمتتان بگویم.

مجری: وقتی مقام معظم رهبری راجع به کسی اینطور می‌گوید، شما الان نگاهی که به حضرت الله خامنه‌ای می‌کنید بسیار نگاه مهربانه است.

ظریف: بله من به ایشان بسیار علاقمندم. بسیار ارادت دارم و ایشان هم همواره به بنده محبت داشتند.

مجری: در تمام این ۷/۵ - ۸ سال هر فعالیتی که لحظه به لحظه آن مورد هجوم بوده و از ثانیه اول خنجر خوردید و عنوان آن این بوده که شما ضد ولایت فقیه و ضد کشور و رهبر کار می‌کنید، آیا یک مورد بوده که ایشان از شما ناراضی بوده باشند؟
ظریف: خودشان می‌دانند.

مجری: یعنی ناراحتی‌شان را به شما ابراز کرده باشند؟

ظریف: ایشان نقدهایی به من فرمودند. در یک مورد اخیرا من با خانم امان‌پور مصاحبه کردم و گروهی هم که با بی بی سی هم شروع شد گفتند ظریف گفته ایران و آمریکا همزمان با هم تعهدتشان را انجام دهند در صورتی که من در صحبت‌هایم توضیح داده بودم که اول باید آمریکا انجام دهد یک کلمه‌ای را به کار برده بودم که خیلی‌ها در ایران بلد نیستند که گفته بودم choreograph که به کسی می‌گویند که توالی و ترتیب قدم‌هایی که در یک رقص جمعی انجام می‌شود.

مجری: یعنی حرکات موزون؟

ظریف: بله، این کلمه در واژگان سیاسی هم وارد شده است. یعنی وقتی می‌خواهید حوالی اقداماتی را بنویسیم می‌گوییم choreograph (یعنی یک، دو، سه، چهار) خوبی choreograph این است که کسی که حرکت اول را می‌کند می‌داند که طرف مقابل حرکت دوم را می‌کند به معنای همزمانی نیست به معنی علم به این که این حرکت پیامد حرکت اول خواهد بود.

مجری: من معقدم مترجمان حق داشتند که معنی این را نفهمند.

ظریف: عیبی ندارد. بی بی سی که باید متوجه می‌شد. بی بی سی فارسی این شیطننت را کرد البته یک مقدار حق بهشان بدهیم چون آخر شب بود، جمله من کامل بود. آقا یک چیز محکم برای من نوشتند که چرا این کلمه را به کار بردی، چرا همراه نبودی با موضع نظام. خیلی با محبت و خیلی هم محکم. من ۷ صفحه برایشان توضیح دادم گفتم که من در مصاحبه‌ام روز دوشنبه این را گفتم. وقتی سه شنبه دیدم بی بی سی سوء استفاده کرده آن شب توئیت کردم که در مصاحبه این را گفتم. آقا بزرگواری فرمودند و برایم نوشتند که توضیحات مفید بود. یعنی بالاخره آقا خدمتشان گزارش می‌دهند.

مجری: چیزی هم که از بیرون می‌بینیم و شنیدیم همیشه ابراز محبت بوده.

ظریف: همیشه محبت داشتند.

مجری: شما می‌توانید ایشان را به عنوان یک سیاستمدار توصیف کنید. چون ایشان یک بار فرمودند که من دیپلمات نیستم انقلابی‌ام. جایی که فرمودند من انقلابی‌ام (که البته من هم انقلابی‌ام) خیلی خوشم آمد.

ظریف: مقام معظم رهبری در جایگاهی نشسته‌اند که جایگاه دیپلمات نیست؛ ایشان رهبر انقلابند.

مجری: ما شنیده‌ایم ایشان خیلی از پروتکل‌ها را می‌شناسند و رعایت می‌کنند.

ظریف: یکی از قوی‌ترین دیپلمات‌های کشور ما ایشان هستند. در مذاکراتی که با رهبران کشورها که خدمت ایشان می‌رسند بسیار مودب، بسیار دقیق و بسیار محکم صحبت می‌کنند و ما هم از ایشان یاد می‌گیریم که چگونه رفتار کنیم. اما یک نکته عرض کنم که شما ترکیب شورای عالی امنیت ملی را در ایران نگاه کنید. ترکیب شورای عالی امنیت ملی به غیر از سران قوا و دو نماینده رهبری که این دو نماینده رهبری هم جنس‌های مختلفی بودند یعنی اینجور نبوده که همیشه آدم‌های تندی باشند، همیشه آدم‌های... خود آقای روحانی بوده، آقای لاریجانی بوده، مرحوم آقای سید احمد خمینی بوده، آدم‌های مختلفی بودند. الان آقای جلیلی و آقای شمخانی هستند، آدم‌های مختلفی بودند.

مجری: آقای شمخانی را آدم معتدلی می‌شناسید؟

ظریف: شما باید تصمیم بگیرید. اما شخصیت‌های حقوقی شورای امنیت ملی را نگاه کنید، یک نفر نظامی عضو شورای عالی امنیت ملی است و آن هم رئیس ستاد است، نه فرماندهان نیرو و عضو و نه حتی وزیر دفاع.

مجری: و این نشان وضعی است که نظام برای دیپلماسی قائل است؟

ظریف: نه، یک دیپلمات عضو است، یک نظامی عضو است، یک مقام امنیتی عضو است، یک مقام سیاست داخلی و رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ یعنی یک مقام اقتصادی یعنی اینها ۵ رکن امنیت ملی است. یعنی اینکه او که بالا نشسته نباید دیپلمات باشد.

مجری: صدا و سیما هم است؟

ظریف: نه عضو نیست. اینها هم ناظرند. فرمانده سپاه هم هست اما هیچ کدام حق رأی ندارند. بر اساس قانون اساسی ۳ رئیس قوه، ۲ نماینده رهبری و این ۵ نفر حق رأی دارند و کس دیگر حق رأی ندارد اگر وزیری موضوعش در شورای امنیت ملی مطرح شود، آن هم با حق رأی دعوت می‌شود، وزیر نه کس دیگر. این یعنی اینکه نباید امنیتی باشد نباید دیپلمات

باشد نباید سیاست داخلی باشد نه باید نظامی باشد نه باید اقتصادی صرف باشد. باید جامع باشد این جامع را ما انقلاب اسلامی می‌گوییم یعنی رهبر انقلاب اسلامی جامع این صفات است همه ما باید انقلابی باشیم در کنار انقلابی بودن، یکی‌مان دیپلماتیم، یکی‌مان نظامی، یکی‌مان اقتصادی اما حلقه وصل ما این است که همه ما معتقد به مبانی انقلابی هستیم من به عنوان یک دیپلمات قدرت ایران را در انقلابی بودنش می‌دانم. یعنی اگر شما باور بکنید به قدرت معنایی، می‌دانید که چه چیزی به ما قدرت معنایی می‌دهد.

مجری: سال ۵۴ ملکه الیزابت از استرالیا رد می‌شده چند ساعتی در فرودگاه مهرآباد توقف می‌کند. شاه شتابان به فرودگاه می‌رود ایشان را ملاقات کند چون ایشان به داخل شهر نمی‌آید و ملکه ی که به پیزوری بودن در بریتانیا معروف است و هیچ کاره بودن. ایشان کلی برایش توضیح می‌داده که می‌خواهیم در شاخ آفریقا نقش مهمتری ایفا کنیم. ولی نسل جدید این را نمی‌داند و ما هم این را به آنها نگفتیم.

ظریف: یادشان نیست. ارزش استقلال کشور را خیلی از بچه‌های ما نمی‌دانند اینکه ما می‌توانیم خودمان باشیم؛ این خیلی نعمت بزرگی است. من این را می‌گویم و بعضی‌ها می‌گویند چرا این مثال را می‌زنی اینکه هیچ‌کس نتوانسته بگوید اگر حمایت ما پشت شما نباشد شما روسی حرف می‌زنید یا انگلیسی یا عربی. سالی ۷۰ میلیارد دلار عربستان خرج سلاح می‌کند، امارات متحده عربی با یک و نیم میلیون جمعیت ۲۲ میلیارد دلار خرج سلاح می‌کند آن وقت آن آقای سناتور کارونای نای شمالی می‌گوید اگر ما یک هفته پشت اینها نباشیم فارسی حرف می‌زنند کدام ایرانی حاضر است این حرف را بخرد.

مجری: یا وضعیتی که کره جنوبی یا ژاپن دارند. بنابراین جنابعالی فکر می‌کنید که مجموعه فعالیتی که ما در برجام کردیم، توافقی که امضا کردیم، این توافق نه فقط کشور را از لبه پرتگاه جنگ نجات داد. من از فرمایش جنابعالی این طور می‌فهمم بلکه نه در جزئیات من این جسارت را نمی‌کنم و از شما می‌پرسم که آیا در کلیات قضیه چیزی بود که مورد نظر مقام معظم رهبری نباشد.

ظریف: بعید می‌دانم.

مجری: یعنی شما موردی از نارضایتی ایشان نشنیدید؟

ظریف: آدم باید انصاف داشته باشد. اگر به من می‌گفتند انشاء بنویس، اگر به من می‌گفتند یک قراردادی خودت با پسرت امضا کن حتما از این بهتر می‌شد. تعارف نداریم. شما چیزی نوشتید ۷ نفر روبروتان بودند، این مجموع و شما یک توافق کردید؛ باید این توافق یک هشتم باشد نظر شما باشد. من به جرأت می‌گویم بیش از نصف توافق مورد نظر ما است. تازه شما

۶ قطعنامه شورای امنیت علیه‌تان نبوده، فشار اقتصادی رویتان نبوده، رشد از ۷ به منهای ۷ نرسیده .

مجری: از ته چاه هم کشیده و در شرایط مساوی هم نبودیم.

ظریف: اصلا هم نبودیم. دوستان می گویند ما ۸ هزار کیلو اورانیوم داشتیم، آنقدر سانتریفیوژ داشتیم

مجری: اینکه می گویند آقای جلیلی بود بهتر می‌شد، چیه؟

ظریف: آقای جلیلی که ۷ سال بود تازه در شرایط بهتر.

مجری: شما فرمودید اگر وقت بیشتر داشتیم بهتر می‌شد.

ظریف: اگر من سال ۲۰۱۰ به جای سال ۲۰۱۲ مذاکره کرده بودم حتما ...

مجری: منظور از ۲۰۱۰ سال ۱۳۸۹ به جای ۹۲؟

ظریف: یعنی قبل از اینکه قطعنامه ۱۹۲۹ تصویب شود. قبل از اینکه ایران تحریم بانکی شود. قبل از اینکه ایران تحریم نفتی شود. قبل از اینکه ما را نمدمال بکنند و از بازار نفت جهان خارج کنند، بفهمند هم که هیچ اثری نیامده است. شما بروید شروع تحریم‌ها را نگاه کنید و پایان تحریم‌ها را هم نگاه کنید. از روزی که تحریم ما را شروع کردند قیمت نفت پایین آمد.

مجری: چرا؟

ظریف: به خاطر اینکه ما را نمدمال کردند. از بازار خارج کردند. مشتری‌های ما را جذب کردند. اگر من جای آقای احمدی نژاد بودم همان روز که اولین قطعنامه علیه ما تصویب شد در کنگره آمریکا که ما هر ۶ ماه ۲۰ درصد نفت ایران را کم کنیم می فهمیدم که آنها دارند ۲۰ درصد ما را نمدمال می‌کنند که بازار جهانی را از من راحت بکند. اگر می‌خواست قطار بی ترمز و فرمان باشد باید آن روز می‌گفتی من صادرات نفت را متوقف می‌کنم. شما که می‌دانستی ۶ ماه ۶ ماه دارند صادرات نفت را ۲۰ درصد را کم می‌کنند، آنها که عاشق چشم و ابروی شما نبودند که ۶ ماه ۶ ماه ۲۰ درصد کمی کردند آنها این کار را می‌کردند که دنیا را از نفت شما بی نیاز کنند و کماکان هم هست. یعنی اینکه علیرغم برجام، علیرغم تلاشی که مدیران نفتی ما کردند و در آن فاصله ما را به سهمی برگرداندند اما دنیا که بدون نفت ایران هم زندگی می‌کند. اگر قبل از اینها یعنی در آستانه یک و آستانه دو بنده مسئول مذاکرات بودم حتما بسیار بهتر از برجام می‌شد.

مجری: اینکه آقای جلیلی می گوید اگر ۶ ماه دیگر به من فرصت می دادید بهتر می شد، توافق بهتری می کردم...

ظریف: اثبات عدم، غیر ممکن است. من چطور اثبات کنم؟ چطور ایشان اثبات کند؟ جالا که ایشان ۶ سال وقت داشته نکرده.

مجری: ایشان می گوید من آستانه را گرفته بودم.

ظریف: همه اسناد هست. اسنادی که فرمودند من نخواندم، این اسناد هست. پیش نویس اول خیلی از اسناد را من نوشتم. من خیلی ایراد دارم اما کسی نمی تواند در موضوع سند نویسی و سندخوانی به من ایراد بگیرد.

مجری: و زبان انگلیسی.

ظریف: زبان انگلیسی مهم نیست چون زبان سند با زبان انگلیسی فرق می کند. وقتی من رساله دکتری می نوشتم استادم به من گفت به انگلیسی بنویس، به UN بنویس. زبان UN زبان خودش است. زبان سند حقوقی سازمان بین المللی زبان خودش است.

مجری: این به خاطر این است که شما از ۱۹ سالگی در این کار هستید

ظریف: من از ۲۱ سالگی رفتم به سازمان ملل. زمانی که من در دانشگاه کلمبیا برای دکتری پذیرفته شدم بعد از فوق لیسانس که ۲۲ سالم بود، رفتم به سازمان ملل تا الان که تقریباً ۴۰ سال از آن وقت و ۶۱ سالم است. روز بعد از آزادی خرمشهر به نمایندگی سازمان ملل رفتم و تا امروز هم کارم همین است. هم کار علمی، هم کار دانشگاهی و هم کار درسی، هم کار اداری. هیچ کار دیگر هم نکردم. اگر فردا این کارها را نداشته باشم یا باید بساز بفروشی بکنم یا باید بروم اسنپ.

مجری: آقای دکتر ظریف بعد از اینکه وارد وزارت خارجه شدید و بعد از قطعنامه، دو ماه بعد شما با آقای جان گری ملاقات داشتید.

ظریف: کمتر.

مجری: این ملاقاتها همه هماهنگ شده بود؟ رفاقت های قبلی شما تأثیرگذار بود؟

ظریف: من با آقای کری رقابت نداشتم و ایشان را تا آن زمان ندیده بودم.

مجری: نمی توانید تصور کنید آن روزها چقدر التهاب ایجاد می شد در این ملاقاتها؟

ظریف: حتماً، شاید اوایل سال ۷۱ که من به تهران آمدم و معاون وزیر امور خارجه شدم تقریباً یا به صورت مستقیم چون من معاون بین الملل وزارت خارجه بودم و معاون حقوقی

یا به صورت غیرمستقیم بخاطر اینکه آمریکا را از بقیه معاونین بیشتر می شناختم خیلی از کارهای آمریکا را من انجام می دادم، تقریباً همه پیام‌هایی که بین ایران و آمریکا از طریق سوئیسی‌ها رد و بدل می‌شد، من نوشتم. لذا آمریکایی‌ها را می‌شناختم هیچ وقت با آقای کری ملاقات نداشتیم. نکته ای که می خواستم بگویم این است که در دوره آقای دکتر جلیلی، آقای دکتر جلیلی به مذاکرات هسته‌ای تشریف بردند، ایشان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول پرونده هسته‌ای بودند. روبروی ایشان خانم اشتون می‌نشست و در واقع ۶ مدیرکل یا حداکثر معاون وزیر. یعنی مشکل پروتکلی این بود که وقتی آقای جلیلی با یک موضوعی مخالفت می‌کرد، اگر می‌کرد آن ۶ تا می‌توانستند بگویند روسای ما مخالفت کردند چون معاون وزیر بود و معاون وزیر مقام سیاسی نیست. من روز اول به خانم اشتون گفتم من به غیر از وزیر با هیچ کس مذاکره نمی‌کنم. گفتم من فقط با هم‌سطح خودم مذاکره می‌کنم حاضرم به جلسه بیایم، جلسه را با شما افتتاح می‌کنیم، من و شما خارج می‌شویم، معاونین با همدیگر مذاکره می‌کنند همان طور که آنها به نزد رئیس‌شان می‌روند تا تأیید بگیرند، معاون من هم باید نزد من بیاید و از من تأیید بگیرد؛ اینطور نباشد که من بنشینم با معاون وزیر مذاکره کنم و او بگوید من بروم از وزیرم تأیید بگیرم.

مجری: می‌شود مذاکره عمرعاص و ابوموسی اشتری. عمرعاص اختیار داشت، ابوموسی نداشت.

ظریف: من گفتم این را انجام نمی‌دهم. لذا قرار ما این شد که اولین جلسه در سطح وزرا برگزار شود و من هم شرکت کنم، سایر وزرا هم باشند. از جلسه دوم توافق کردیم من و خانم اشتون جلسه را افتتاح کنیم و بعد جلسه را ترک کنیم، در ساختمان بمانیم و معاونین با هم مذاکره کنند، هر وقت به ما نیاز داشتند ما بیاییم. و در تمام موارد هم مذاکرات اصلی را خود وزرا آمدند مخصوصاً آقای کری. ما رفتیم در جلسه، سالن پشتی شورای امنیت. فکر می‌کنم هنوز چهار هفته نبود من وزیر بودم.

مجری: شهریور سال ۹۲؟

ظریف: آخر شهریور و اوایل مهر. در جلسه نشستیم، من اول صحبت کردم. در همان جلسه گفتم که قطعنامه‌های شورای امنیت ظلم به ایران است که وزیر خارجه فرانسه از همان روز عصبانی شد و گفت که تو آمدی در اتاق مذاکرات شورای امنیت با ۵ عضو دائم شورای امنیت می‌گویی که قطعنامه‌های شورای امنیت را قبول نداری؟ گفتم بله که می‌گویم قبول ندارم. تعارف ندارم با شما اما ما می‌توانیم زندانی گذشته باشیم یا نگاه به آینده داشته باشیم؛ نگاه من به آینده است. جلسه که تمام شد البته قبل از آن همکاران آقای کری به همکاران من گفته بودند که می‌توانیم چند دقیقه همدیگر را ببینیم من گفتم اشکالی ندارد و در آنجا به اتاقی رفتیم و چند دقیقه شد ۲۵ دقیقه. من اجازه دیدار با آقای کری را داشتم ولی مقام معظم رهبری فکر

می‌کردند این دیدار یک دیدار سرپایی است که ۱۰ دقیقه با هم گفت و گو می‌کنیم در صورتی که این یک خورده طولانی‌تر شد.

مجری: ولی اجازه کلی را داشتید؟

ظریف: بله بی اجازه نبود.

مجری: چون شایعاتی که ما شنیدیم اینکه مثلاً جناب آقای دکتر متکی در سال قبل دکتر احمدی نژاد بهشان گفتند برو با دولت او باما تماس بگیر و ایشان گفتند باید مجوز بگیریم برای این کار و سر همین موضوع دعوایشان شده. این شایعه درست است؟

ظریف: پس می‌خواهید من راست راستش را بگویم. سال اولی که آقای دکتر احمدی نژاد به نیویورک تشریف بردند بالاخره من سفیری بودم که هم به خودم تحمیل شده بودم و هم به ایشان یعنی نه من دلم می‌خواست سفیر ایشان باشم و نه ایشان دلش می‌خواست من سفیر ایشان باشم. ولی آقا فرموده بودند بماند.

مجری: قول دادید دارید دو تا راست می‌گویید. چون گفتید راست راستش را می‌گویم.

ظریف: بله، همین طور که رفته بودیم تا ایشان را از فرودگاه به سمت هتل ببرم ...

مجری: آقای متکی را؟

ظریف: آقای دکتر احمدی نژاد را. من سفیر بودم. ایشان حدود سه هفته بعد از ریاست جمهوری‌شان تشریف آوردند نیویورک و بنده هم سفیری بودم که میزبان ایشان بودم.

مجری: سال ۱۳۸۴؟

ظریف: بله. در ماشین که نشستیم. می‌دانید که وقتی رئیس جمهور می‌آید سفیر کنار او می‌نشیند.

مجری: پروتکل این است؟

ظریف: بله، الان که رئیس جمهور می‌آید سفیر پهلویش می‌نشیند، من ماشین خودم را دارم. من پهلویش ایشان نشسته بودم و خدمتشان عرض کردم که وضعیت اینجوری است و من اینجا یک اجازه‌ای دارم، سناتورها را می‌بینیم، مقامات غیردولتی آمریکایی را می‌بینم و برای شما هم یک جلسه گذاشتیم با افراد غیردولتی و آدم‌های بانام آمریکا. چند مشاور امنیت ملی سابق، چندین وزیر سابق. آمدند و نشستند. خدا رحمت کند وزیر دادگستری که تصادف کردند و فوت کردند. خدمت ایشان در ماشین اینها را عرض کردم. ایشان فرمودند که من هم می‌خواهم سناتورها را ببینم. من خدمت ایشان عرض کردم که شما نمی‌توانید این تصمیم را بگیرید. آقا

باید این تصمیم را بگیرد. ایشان هم خیلی بدش آمد. غروب بود و ما هم جمعی از ایرانیان را دعوت کرده بودیم، شما که وارد نیویورک شوید، هشت ساعت و نیم اختلاف ساعت است و خوابتان می برد برای اینکه ایشان خوابش نبرد ما گروهی از ایرانیان را دعوت کردیم و ایشان هم سر میزی که من بودم ننشست و با پروفیسور حمید مولانا نشست.

مجری: که یک دوره مشاورشان شد؟

ظریف: بله، حجت الاسلام آقائهرانی رئیس جبهه پایداری نشستند و بعد از آن هم پروفیسور مولانا که خیلی از من بدشان می آمد و با صحبت هایی که آقای آقای تهرانی کردند و آقای جلیلی هم همراهشان بود، رفتند به آقای متکی و آقای لاریجانی گفتند این آقا را همین امروز بردارید و یکی از همکاران من که در نمایندگی که فارغ التحصیل دانشگاه امام صادق و رفیق آقای جلیلی هم بود را همین الان بگذارید مسئول نمایندگی. لذا گرایش آقای دکتر احمدی نژاد به گفت و گو با آمریکایی ها در همان سفر اولشان.

مجری: این بار اول است که مطرح می شود. چون آقای احمدی نژاد با شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل وارد انتخابات شدند.

ظریف: آن شعار بود. یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ یک خرده اش الان شروع شده. خودشان هم می گویند که من از اول هم می خواستم رابطه با آمریکا برقرار کنم، راست می گویند ولی چرا با آن حرف ها و آن کارها. چرا شما اینقدر به رژیم صهیونیستی کمک کردید. چرا این کارها را کردید. چرا به رژیم صهیونیستی اجازه دادید از حرف های شما سوء استفاده بکند و مظلوم نمایی بکند.

مجری: آقای دکتر ظریف رژیم صهیونیستی بازتولد پیدا کرد بعد از دوره ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

ظریف: قابل مقایسه نیست وضع رژیم صهیونیستی قبل و بعد از دوره ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سایر سازمان ها.

مجری: بهر حال آقای دکتر احمدی نژاد هنوز هم خیلی طرفداران، یعنی من معتقدم بدنه اصلی جناح راست که من اصرار ندارم به ایشان بگویم اصولگرا چرا که اصولگرا معنای روشنی دارد. به تعبیر اصولگرا کسی است که به خاطر افکارش حاضر است هزینه بدهد.

ظریف: من خود را به اصولگرای ...

مجری: ما حاضریم هزینه بدهیم نه به خاطر منافع دست به هر کاری بزنیم من به اصرار می گویم جناح راست یا به تعبیر جهانی Conservative وقتی یک کسی با این شعارهای

خوب و نیتی که در ظاهر خوب است جلو می‌آید چطور می‌شود نتیجه‌اش این طور دربیاید که شما به حزب‌الله لبنان که الان یک هویتی روشنی دارد...

ظریف: مظهر مقاومت است

مجری: چطور می‌شود به اینجا بررسی شما...

ظریف: و بروی با تلویزیون بنده غربگرا با تلویزیون المنار هفته پیش مصاحبه کردم و ایشان با تلویزیون ال...

مجری: این دلواپسان یک بار نشد به خاطر مقاومت شما از تون تجلیل کنند و یک بار نشد به آن طرف به رفقای ما بگویند... اینجا است که می‌گویم نیت کار نمی‌کند.

ظریف: من به آقا گفتم بروید از سید حسن نصرالله بپرسید من خائنم یا خادم.

مجری: ما روابط ویژه شما با سردار سلیمانی را شنیدیم. ممکن است به ما گوشه‌ای و ناگفته‌ای بگویید.

ظریف: من و سردار سلیمانی الزاما هم نظر نبودیم در همه چیز اما احساس می‌کردیم که ما موظفیم که باید با هم هماهنگ باشیم و این کار را می‌کردیم و می‌توانم این را به جرأت بگویم که من دیپلماسی را بیشتر هزینه کردم برای میدان تا میدان برای دیپلماسی هزینه شده باشد.

مجری: این نکته خیلی مهم است، می‌شود توضیح دهید؟

ظریف: در همین حد تاریخ بعدها خواهد نوشت.

ظریف: سوال آخر است من از لج اینکه شما پاسخ درست ندهید، ادامه می‌دهم.

مجری: من برای تاریخ می‌خواهم این را بپرسم.

ظریف: من به جرأت می‌توانم بگویم که تقریبا در طول کار من هیچ زمان نتوانستم نه اینکه نخواستم، نتوانستم به فرمانده میدان بگویم این کار را بکن، من در دیپلماسی به آن نیاز دارم.

مجری: یعنی خون فرزندان ایران را به خطر بیندازید که خودتان پیش بروید.

ظریف: نه اصلا بیندازید مثلا فعلا فلان عملیات را انجام ندهید تا من فلان کار را انجام بدهم. ولی تقریبا هر بار که من برای مذاکره رفتم شهید سلیمانی بود که می‌گفت من می‌خواهم این خاصیت را بگیری و این نکته را بگیری.

مجری: و من به خاطرش این کار را انجام بدهم یا ندهم.

ظریف: نه آن قسمتش نبود. می‌گفت تو می‌روی با لاوروف مصاحبه می‌کنی ازش یک دو سه چهار بخواه یعنی دیپلماسی هزینه این بشود که شما می‌خواهی در حلب یا عدلب این کار را بکنی... این کارها هدف مقدسی بود. نمی‌گویم هدف بدی بود. تو که می‌روی با لاوروف مذاکره می‌کنی فشار بیاور که فوا و کفری‌ها را ما در سوریه آزاد کنیم در برابر آزاد شدن غیرنظامی‌های حلب. یعنی من می‌رفتم برای موفقیت کار میدانی مذاکره می‌کردم اما اینکه مثلا من به ایشان بگویم شما از هواپیمای ایران ایر در خط تهران سوریه استفاده نکن ایشان زیر بار نمی‌رفت لذا دیپلماسی هزینه میدان شد اما میدان هیچ گاه هزینه دیپلماسی نشد.

مجری: اگر اجازه بدهید دنبال این بحث را پی می‌گیریم.

ظریف: و هیچ وقت هم این تکه را منتشر نمی‌کنید؟

مجری: به تصمیم جنابعالی و دکتر آشنا و مسئولین محترم برمی‌گردد. من از بینندگان محترم تشکر می‌کنم.

مجری: بینندگان محترم مجددا سلام عرض می‌کنم قسمت دوم گفت و گو با جناب دکتر ظریف وزیر خارجه دولت آقای روحانی را بعد از یک تنفس پی می‌گیریم. آقای دکتر اگر خاطرتان باشد با شهید سلیمانی بحث را به پایان بردیم. جنابعالی نکته خیلی مهم و هم نام بزرگوارتان ظریفی را مطرح کردید و اینکه همیشه دیپلماسی برای میدان خرج کرد نه بالعکس؛ این حرف مهمی است. چه چیزی را نشان می‌دهد؟ مگر ما در اصول دیپلماسی یا کشورداری یاد نگرفتیم یا نخواندیم یا قبول نداریم در میدان عمل حرکتی نمی‌افتد مگر با هدف پیشبرد امور دیپلماتیک. چرا در ایران برعکس بوده. من از چرچیل خواندم که جنگ مهمتر از آن است که به دست نظامیان بسپاریم.

ظریف: نکته مهم این است که حتما دستاوردهای جنگ باید در صحنه دیپلماتیک نقد شود و این حرف درستی است و ما یک نبردی داشتیم برای مبارزه با داعش و این نبرد می‌توانست هزینه‌های داشته باشد؛ هزینه‌های اقتصادی، هزینه‌های جانی و می‌توانست منافع دیپلماتیک نیز داشته باشد. آن که من گفتم میدان هزینه دیپلماتیک باشد یعنی اقدامی را در میدان بکنیم که دیپلمات‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. ما اگر در میدان جنگ اقدامی کردیم که مثلا برای رفع تحریم‌ها می‌شد استفاده کرد یا از اقدامی خوداری کردیم که برای رفع تحریم‌ها می‌شد استفاده کرد؛ برای کاهش تحریم‌ها می‌شد استفاده کرد آن وقت بود که می‌گفتیم شما از میدان استفاده کردید.

مجری: و این کار را نکردید؟

ظریف: هیچ موقع این کار صورت نگرفت. ما بسیاری از هزینه‌های دیپلماتیک که دادیم به خاطر این بود که برای ما میدان اولویت داشت.

مجری: برای شخص جنابعالی یا کل نظام؟

ظریف: کل نظام.

مجری: و حتما نبودن رابطه دوسویه مورد تأیید شما نیست؟ مثلا در مورد داعش گفته می‌شود که ما برای حفظ اسد رفتیم به سوریه، نظر خود شما چیست؟

ظریف: من در شکل‌گیری سیاست مداخله ایران در سوریه حضور نداشتم. زمانی این سیاست شکل گرفت که من در دولت نبودم و در واقع در دوره بازنشستگی من بود.

مجری: سال ۸۹؟

ظریف: بله، من از جزئیات دلایلی که به این تصمیم منجر شد آگاهی ندارم و من به عنوان کسی که همیشه داخل سیستم تصمیم‌گیری بودم می‌دانم که کسانی که در داخل سیستم تصمیم‌گیری نیستند به اندازه کافی اطلاعات ندارند که بتوانند در مورد

مجری: بعدش چی؟

ظریف: بعدش این را می‌توانم بگویم که ما بسیار هزینه کردیم از آنچه که می‌توانستیم در برجام به دست بیاوریم، بعد از برجام به دست بیاوریم.

مجری: یعنی بیش از حد لازم؟

ظریف: بله، برای اینکه کار میدانی‌مان را پیش ببریم.

مجری: این من را به تردید می‌اندازد بگذارید من هم یک نکته تاریخی بگویم. من یادم هست که آقای هاشمی هم با خود اسد میانه‌ای نداشت، یعنی می‌گفت ضرورتی ندارد که ما برای یک شخص یا یک خانواده اینقدر هزینه کنیم. ما می‌توانیم کل ساختار را حفظ کنیم و تن بدهیم به اینکه...

ظریف: من بحثم راجع به اسد نیست.

مجری: من متوجه‌ام چون در جایی گفتید که من در سیاست منطقه‌ای ایران هیچ دخالتی ندارم.

ظریف: نه. من این را نگفتم هیچ دخالتی ندارم گفتم دخالتی ندارم. این را هم نگفتم. سوال کردند از صفر تا صد سیاست خارجی چقدرش دست تو است گفتم صفر. این هم درست است؛

بخاطر اینکه سیاست خارجی در یک روندی ساخته می‌شود شما قسمتی از این تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستید. دست شما نیست. دست من این است که الان اراده کنم که فردا این کار در سیاست خارجی انجام گیرد، انجام نمی‌شود مگر اینکه...

مجری: کشورهای دیگر چطورند؟

ظریف: تقریباً همه جا همین جور باشد. طبیعی هم هست که همین جور باشد. اما من همزمان هم می‌گویم هیچ سیاستی نباید صفر تا صدش دست یک نفر باشد. سیاست میدان هم باید تابع استراتژی کشور باشد. نبوده این طور...

مجری: مشخصاً در مورد منطقه چه بوده؟

ظریف: سیاست میدان تعیین کرده که سیاست کشور چطور باشد.

مجری: بیشتر سفرای ما در منطقه مردان بسیار محترمی هم هستند. جا دارد من از شهید رکن آبادی یاد کنم که به نظر من حدس و نگرانیم این است که این فاجعه منا برای کشتن او طراحی شده بود، من این حدس را از اول داشتم.

ظریف: من فکر نمی‌کنم. من معتقدم تا وقتی که با دلایل انسانی می‌شود قضیه‌ای را توضیح داد با تئوری توطئه نیازی نداریم.

مجری: من فکر می‌کنم یا دزدیدنش و بردنش یا شهیدش کردند این نقطه بعدها معلوم خواهد شد. اما بیشتر سفرای منطقه‌ای ما مردان امنیتی هستند با همه احترامی که برایشان قائلیم.

ظریف: بیشتر ساختار وزارت امور خارجه ما ساختار امنیتی است.

مجری: آیا همه جای دنیا اینطور است؟

ظریف: علت آن این است که وزارت امور خارجه ما از وقتی چشم باز کرده از بعد از انقلاب با مسائل امنیتی یعنی بحران‌هایی که ما داشتیم و دستور کاری که برای وزارت خارجه تعیین شده از ابتدای انقلاب دستور کار سیاسی-امنیتی بوده است. هیچگاه دستور کار اقتصادی برای وزارت امور خارجه تعیین نشد و برای همین هم در ابتدای وزارت امور خارجه در دهه ۷۰ شمسی اصلاً معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه را تعطیل کردند و به جای آن معاونت‌های منطقه‌ای درست کردند که گرایش آنها هم بیشتر سیاسی امنیتی بود.

مجری: آقای دکتر به نظرم می‌رسد حضرتعالی سعی می‌کنید امر واقع را تئوریزه کنید.

ظریف: من امر واقع را تبیین می‌کنم، تئوریزه نمی‌کنم.

مجری: ولی ببینید من یادم می‌آید که مرحوم آقای اکبر هاشمی رفسنجانی هر وقت اراده می‌کرد روابط ایران و عربستانی را که از زمان تشکیل عربستان و قبل از تشکیل عربستان و از طریق دولت عثمانی، ما این داستان را داشتیم در منطقه. این مسئله تاریخی ما است که منطقه روی روابط بین‌المللی ما اثر گذاشته و این اثر تعیین‌کننده بوده.

ظریف: و روابط بین‌المللی ما روی منطقه.

مجری: اهمیت منطقه بیش از وزن واقعی‌اش بوده یعنی وقتی ما با عربستان مسئله داشتیم، عربستان بیش از وزن واقعی توانسته جهان غرب را علیه ایران بشورانند.

ظریف: بگذارید من توضیح بدهم من چجوری می‌بینم. ایران کشوری است هم از نظر جغرافیا، هم از نظر منابع، هم از نظر جمعیت، از مجموعه نظرات یک توفقی نسبت به کشورهای منطقه دارد. طبیعی است که کشورهای دیگر منطقه هم نسبت به ایران نگرانی داشته باشند و هم حسادت. هر دو این‌ها وجود دارد. در زمان شاه ایران و کشورهای منطقه جزو یک تریبیوت یا جزو یک درخت بود.

مجری: هیچ وقت هم روابطشان حسنه نبود؟

ظریف: حسنه نبود اما به عنوان شاخه‌های رقیب یک درخت در نهایت به همان درخت ختم می‌شدند. بعد از انقلاب این درخت شکست. یعنی ایران خودش را جدا کرده بنابراین اتفاقاتی که افتاده اتفاقات غیر طبیعی نیست. باید در منطقه نگرانی باشد، آن چه که غیرطبیعی است این است که کشورهای منطقه ما احساس کردند که امنیت را می‌توان کماکان از بیرون منطقه بخردند این منطقه با گذشته‌اش فرق کرده شاخه‌های یک درخت بود فرق کرده الان یک نظم متفاوت برای منطقه در نظر گرفته.

مجری: به نظر می‌رسد جنابعالی هیچ مسئولیتی برای طرف مقابل قائل نیستید؟

ظریف: اصلاً اینطور نیست.

در زمان شاه ایران و کشورهای منطقه جزو یک تریبیوت بودند و جزو یک درخت بودند.

مجری: هیچ وقت هم روابطشان حسنه نبود؟

ظریف: حسنه نبود اما به عنوان شاخه‌های رقیب یک درخت با همدیگر در نهایت به همان درخت ختم می‌شدند بعد از انقلاب این درخته شکسته است یعنی ایران خودش را جدا کرده است بنابراین اتفاقاتی که افتاده است اتفاقات غیرطبیعی نیست. باید در منطقه نگرانی باشد، آنچه که غیرطبیعی است این است که کشورهای منطقه ما احساس کردند که امنیت را می‌توانند کماکان از بیرون منطقه بخردند، گذشته‌اش فرق کرده است این منطقه با گذشته که همه

شاخه های یک درخت بود فرق کرده است الان باید یک نظم متفاوتی برای منطقه در نظر بگیریم.

مجری: آقای ظریف من فکر می کنم ممکن است که به نظر می رسد که به هر حال حضرتعالی هیچ مسئولیتی برای طرف ایرانی قائل نیستید؟
ظریف: نه حتما قائلم. نه نه اصلا اینطور نیست.

مجری: نه من اینجوری نگاه می کنم. آقای هاشمی با آقای امیر عبدالله یک رابطه شخصی به هم زده بود و این مسائل را تخفیف می داد، من می فهمم مسائل ژئوپلیتیک و استراتژیک را نمی شود با یک تلفن یا یک رفاقت حل کرد ولی همان کاری که شما در برجام کردید ما تو مسائل منطقه ای مان می توانستیم بکنیم یعنی مثلا به سوال حمله به سفارت عربستان به نظر شما غیرمسئولانه نبود؟

ظریف: حمله به سفارت عربستان به نظر من خیانت بود.

مجری: خدا خیرتان بدهد. من سوال همین است، یعنی بیشتر مردم می گویند که

ظریف: خب چرا این حمله شکل گرفت؟ باید من اعتقاد دارم برای همین است دارم عرض می کنم.

مجری: می فرمایید

ظریف: از روزی که برجام امضا که نشد، از روزی که برجام نهایی شد یعنی از ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ یا ۲۳ تیر ۹۴ تا روزی که برجام اجرایی شد یعنی ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ یا ۲۶ دی ۹۴ حدود ۶ ماه است. شما فقط کافیه اتفاقاتی که در این ۶ ماه افتاده است را یک مرور بکنید. فقط کافیه مرور کنید. آخرین حمله به سفارت سعودی و گرفتن دو کشتی آمریکایی بود ولی اولین آن ها نبود. اولین سفر سردار سلیمانی به مسکو بود.

مجری: آن سفر تحت کنترل شما نبود؟

ظریف: خیر. آن سفر به اراده روسیه شکل گرفت نه به اراده ما.

مجری: خب به اراده روسیه نباید از طریق وزارت خارجه به سردار سلیمانی

ظریف: وقتی که اراده روسیه بر این است که دستاورد وزارت خارجه را نابود کند حتما از طریق وزارت خارجه عمل نمی کند.

مجری: آقای دکتر حرف بسیار سنگینی می زنید.

ظریف: حرف بسیار سنگینی می زنم.

مجری: یعنی فرمایش شما این است که اراده روسیه که ضد منافع جمهوری اسلامی ایران بود که شما تجلی دهندش بودید توانست سردار سلیمانی را بکشاند به مسکو.

ظریف: سردار سلیمانی چندین

مجری: این خیلی حرف مهمیه، چون ما می دانیم که شما بردید ایشون رو.

ظریف: ببینید شورای امنیت ملی ۵ عضو رأی دهنده دارد به جزو سران قوا و این ۵ عضو هرکدام نماینده یک جا هستند عرضم این است که هیچ کدام از این نکات نباید تعیین کننده باشند. سردار سلیمانی در شرایط بسیار بد سوریه یعنی در ماه های دی و بهمن سال ۹۳ درخواست سفر به مسکو کرد که آقای پوتین را قانع کند که جدی تر حضور پیدا کنند در همان زمان در سفر آقای لاوروف به ایران در حضور من، من ملاقاتی را درست کردم که آقای سلیمانی با آقای لاوروف ملاقات مفصلی داشت، خب آقای سلیمانی شخصیت بسیار قوی بود و بسیار تاثیر گذاشت بر لاوروف اما روسیه چه زمانی موافقت کرد که آقای سلیمانی به سفر مسکو برود.

مجری: وقتی دید برجام دارد این جا امضا می شود.

ظریف: وقتی دید برجام امضا شد، روسیه در هفته آخر امضای برجام همون جور که اگر آن عکس را ببینید که وزیر خارجه روسیه در عکس نیست حداکثر تلاشش را کرد که برجام به نتیجه نرسد، این حرف ها را حتما نمی توانید هیچ وقت منتشر کنید.

مجری: این خیلی حرف های مهمی است، بله.

ظریف: روسیه از، نگاه کنید این آقا

مجری: این آقای لاوروف نیست.

ظریف: آقای لاوروف که نیست هیچ این آقا الان فکر می کنم سفیرشان در وین است، آن وقت فکر می کنم سفیرشان هم نبود در وین.

مجری: همین کوتاه قده؟

ظریف: همین که بغل من و آقای وزیر خارجه وقت انگلیس ایستاده است.

مجری: بله دیگه جلوی پرچم می شود.

ظریف: بله. آقای لاوروف رفت و از یک هفته مانده به ...

مجری: چه شده بود روسیه این طور عصبانی بود؟

ظریف: این طور شد که روس ها فکر نمی کردند برجام به نتیجه برسد، یک اقدامی کردند در مورد غنی سازی، ما گفتیم ما غنی سازی را برای، نظنز را برای بوشهر می خواهیم، آمریکایی ها در ژنو پذیرفتند که غنی سازی مطابق با نیازهای ایران، ما خب مشخص بود اصلا نظنز برای ۵۴ هزار سانتریفیوژ RII درست شده بود یا PI، سوی PI ۳ بود. ۵۴ هزار تاش ؟؟؟ سو و ۷۰ هزار سو تولید می کرد که معادل یک سال استفاده بوشهر است.

مجری: درسال؟

ظریف: در سال.

مجری: یعنی نظنز فقط می توانست کل بوشهر را بدهد؟

ظریف: آن هم با PI، با RII نظنز هم نمی توانست بوشهر را بدهد چون RII سوش یک بود اما به هر حال نظنز برای بوشهر ساخته شده بود، خب ما هم گفتیم غنی، وقتی با آمریکایی ها توافق کردیم که غنی سازی برای مصرف، گفتیم خب می گوئیم بوشهر، روسیه اولین ضربه ای که زد به مذاکرات برجام این بود که گفت من بوشهر را مادام العمر می دهم. ما گفتیم در مذاکره که خب بوشهر را روس ها لطف می کنند و مادام العمر می دهند اما ما نمی خواهیم همیشه متکی به خارج باشیم. روسیه آمد ضربه دوم را به ما زد و گفت من هیچ وقت اجازه نمی دهم شما از سوخت خودتان برای بوشهر استفاده کنید، لایسنس نمی دهم به سوخت تان.

مجری: طبق قرارداد بوشهر این اجازه را دارند؟

ظریف: ۱۰ سال نه همیشه. به هر حال این روند ادامه، فکر نمی کردند. ببینید روسیه

مجری: پس مقاومت ها بیش از اونی بود که ما فکر می کردیم یا مردم فکر می کردند.

ظریف: حالا من از طرفداران جدی رابطه با روسیه و چین هستم، معتقد هم هستم که رابطه ما

مجری: قوا

ظریف: نه نه نه، حالا آقای حسینی می دانند من از مخالفان جدی تفکر رئالیستی هستم. هیچ ارادتی نه با آقای مورگنتا دارم نه با آقای کنت والت دارم و نه به دیگر رئالیست ها و همیشه هم در طول زندگی دانشجویی و علمی و سیاسی ام جلوی این تفکر ایستادم، دلیل هم دارم برایش، هم دلیل تنوری هم دلیل عملی. اما معتقدم روسیه همسایه ما است، ارتباط با روسیه مهم است، چین کشوری است که در حال برآمدن است، در سال های آینده می شود قدرت اول و لذا معتقدم به این اما معتقدم رابطه ما با کشورها باید با چشم باز باشد. روسیه به نفعش است

که در روابط ما و غرب بحران نباشد اما به نفعش نیست که روابط ما با غرب عادی سازی شود. چرا که اگر روابط ما با غرب عادی سازی شود

مجری: ما تو دامن آن ها نمی افتیم؟

ظریف: روسیه دو ضرر می بیند، یک اینکه اولویت آمریکا و غرب اگر آقای ترامپ اولویتش ایران نشده بود اولویتش چین و روسیه بود. وقتی ایران می آید اولویت می شود اولویت های دیگر می رود به مراحل بعدی یک. دوم اگر ما نیازمند روسیه و چین باشیم به خاطر دشمنی با غرب اولاً که آن ها هیچ وقت مجبور نیستند با کسی رقابت کنند، ثانیاً همواره می توانند از ما بیشترین منافع را ببرند. باز هم من تکرار می کنم برای اینکه یک وقت یه جاییش را نبرند. من اعتقاد دارم .

مجری: ببخشید منظورتان یک جای فیلم است دیگه؟

ظریف: صدای خنده ظریف بله فیلمه

مجری: ما راجع به شکنجه گران صحبت نمی کنیم. (خنده مجری و ظریف)

ظریف: اصلاً بریدن را ما فقط در حد فیلم قبول داریم، به جز اون که اصلاً ما شأن مون عجل از بریدنه.

مجری: بله بله بخشید.

ظریف: عرض بنده این است ما باید با چین و روسیه رابطه داشته باشیم کما اینکه باید با غرب رابطه داشته باشیم کما اینکه باید با آمریکا تنش نداشته باشیم. من کلماتم را با دقت انتخاب می کنم و این ها مبنای تئوریک دارد. همه عرائض بنده فقط عمل گرایانه نیست مبنای تئوریک دارد. خب روس ها فکر نمی کردند برجام به نتیجه برسد در هفته های آخر که دیدند برجام داره به نتیجه می رسد شروع کردند پیشنهادهای جدید دادن.

مجری: آقای دکتر ۱۰ میلیون به آراء تون اضافه می شود. نه این را من نخواهم گذاشت که من رأی بگیرم.

ظریف: در هفته های آخر این برجامی که آقای توکلی می گویند من نخواندم ما دیدیم ما با آمریکایی ها در مورد همین مکانیزم بازگشت که آن ها بهش میگویند به غلط اسنپ بک، ما هم باور می کنیم، ما با این ها به یک عباراتی رسیده بودیم. آقای کری آمد و به همکاران من یک عبارت جدیدی را نشان داد. این اجلاس شانگهای است.

مجری: بله بله.

ظریف: عبارت جدید که هنوز نگذاشتند ما عضو شویم. علتش هم ...

مجری: عضو ناظر هستیم.

ادامه صحبت ظریف: علتش هم این است که این ها ملاحظات ژئواستراتژیک برای شانگهای آنچنان ندارند. ملاحظاتشان چیز دیگری است. علیرغم اینکه شانگهای کمتر لاینس؟؟؟؟ است، یک ضد ائتلاف است. حالا؟؟؟؟؟ یه عکس هایی به من نشان می دهید که من را دو هوایی می کنید.

مجری: بله بله.

ظریف: عرض کنم به خدمتون که

مجری: راجع به نقش روسیه و اینکه اراده ای نداشت برای اینکه

ظریف: اراده نداشت. هان. راجع به اسنپ بک. راجع به بازگشت. ما به یک متنی رسیده بودیم، آقای یا هیات آمریکایی یک متنی را دادند به همکاران من، گفتند این متن را روسیه و فرانسه توافق کردند، ما هم باهاش موافقیم. خب همکاران من به اندازه من سابقه سازمانی و بین المللی نداشتند؟؟؟ دیده بودند متن بدی نیست آوردن برای من، من متن را نگاه کردم بهشون گفتم این خطرناک ترین متن ممکن است، گفتند چرا؟ گفتم به خاطر اینکه براساس این متن ما هر ۶ ماه یکبار باید بریم از شورای امنیت ...

مجری: مجوز بگیریم.

ادامه صحبت ظریف: از شورای امنیت رأی بگیریم که برجام ادامه داشته باشد یعنی الان

مجری: روسیه پیشنهاد کرده بود؟

ظریف: پیشنهاد روسیه و فرانسه بود.

مجری: حالا آقای دکتر اگر این دوستان ما عکس ها را نشان بدهند. اون عکس را برگردانید و نشان دهید. اون عکسی که هر رهبری و هر وزیر خارجه ای پای پرچم خودش ایستاده.

ظریف: حالا بذار من این را بگویم.

مجری: بله بله بفرمایید چون من می خواهم راجه به تک تک این ها سوال کنم از شما.

ظریف: حالا میگم واستون.

مجری: غیر از اون ضعیفه البته

ظریف: اون ضعیفه اتفاقا خیلی قویه بود.

مجری: بله (همزمان صدای خنده مجری و ظریف)

ظریف: من به ایشان گفتم، اونی که بهش گفتم هرگز یک ایرانی را تهدید نکن به ایشون بود.
سر دعوا با اون آقا

مجری: با آقای لاوروف؟

ظریف: نه بغلی، با وزیر خارجه انگلیس در مورد منطقه و در مورد موشک و در مورد سلاح ایران.

مجری: بله.

ظریف: که من به ایشان گفتم هرگز یک ایرانی را تهدید نکن. چون گفت اگر توافق نداشته باشیم دیگه مذاکره تمام است. گفتم خب من را تهدید می کنی، مذاکره تمام. هیچ وقت یک ایرانی را تهدید نکن. پاشید بریم. اصلا دعوا سر این بود. ایشان هم تازه آمده بود و نمی دانست که با چه کوفتی طرفه (خنده ظریف) و گرفتار می شود. روسیه این متن را آورد آمریکا، آمریکا هم از خداخواسته. یعنی ما هر ۶ ماه یکبار نه فقط وابسته به این ۵ تا عضو دائم می شدیم بلکه به اون ۱۰ تا هم، چون هر قطعنامه ای ۱۱ رأی مثبت می خواهد تا تصویب شود. یعنی من هر ۶ ماه یکبار باید می رفتم، ۶

مجری: عین ۱۵ تا قدرت را باید می دیدید؟

ظریف: هر ۱۵ تا را می دیدم، ۱۱ رأی ...

مجری: از جمله جمهوری دومینوکت

ظریف: ۱۱ تا رأی می گرفتم تا اینکه قطعنامه های قبلی منتفی باشد. می دانید که الان چیزی که ما گرفتیم آمریکایی ها دوباره بهش اذعان کردند در نامه اخیر، ایشان بعد از اینکه در شورا شکست خوردند این است که قطعنامه ها علل الابد منتفی شده و اگر یک اتفاقاتی بیفتد یک روندی را طی کنند می توانند برش گردانند. اینجوری نبود. قطعنامه ها ۶ ماه ۶ ماه منتفی می شد. این متن را روسیه و فرانسه نوشته بودند.

مجری: چرا روسیه منافعش این طور بود؟

ظریف: منافعش، ببینید روس ها وقتی دیدند ما داریم به توافق می رسیم یعنی از تمام آن موانع گذشتیم شروع کردند به ایجاد مانع، یعنی در ۳ ماهه اول سال ۱۳۹۴ روسیه تبدیل شد از کمک کننده در ۳ ماهه اول مذاکرات این کار را کرد که مانع این شود که ما بتوانیم غنی سازی را بگیریم با اینکه گفت، اصلا هدفش این نبود که غنی سازی را بگیریم هدفش این بود که توافق نشود. در ۳ ماهه آخر هم وقتی دید که داره توافق می شه تمام قد آمد میدان. تمام قد

آمد میدان تا روز آخر. شب آخر قبل از تظاهرات برای اینکه این عکس دیده بشود. شب آخر قبل از توافقات، میگم تظاهرات، شب آخر من نشسته بودم تو رستوران. دعوا سر می دانی که تعداد زیادی از افرادمون تو قطعنامه های قبلی تحریم شده بودند و ما می خواستیم این ها را هرچه بیشتر می توانیم در بیاوریم. خب بعضی هاشون تحریم تسلیحاتی بودند، بعضی هاشون تحریم موشکی بودند، تحریم های هسته ای را توافق کردند همه را در بیاورند. خیلی جالب است شما بدانید قطعنامه به بهانه هسته ای رفته بود زمان آقای جلیلی ولی موضوع موشکی و موضوع تسلیحاتی به هسته ای ربطی ندارد، اضافه شده بود اگر ادامه پیدا می کرد آقای جلیلی که ۶ ماه دیگر می خواست به توافق برسد به شما اطمینان می دهم که حقوق بشر هم بهش اضافه کرده بود یعنی این توافق آقای جلیلی از همون قضا از سرکه بین افرا فزود است. یعنی گرمی

مجری: روغن بادام خشکی می فزود از هلیله قبض شد اطلاق رفت، آب آتش را مدد شد همچو نفت، آقای دکتر

ظریف: خب حالا، آقای لاوروف شب قبلش ما هی داشتیم چانه می زدیم، من مجوز داشتم رفتم تو جلسه، یکی آمد گفت آقای کری گفته من دیگر بیش از این نمی توانم موافقت کنم من تو رستوران نشسته بودم داشتم شام می خوردم با بچه ها، گفتم خب من الان می آیم اتاق آقای کری. رفتیم دیدیم ای دل غافل، آقای لاوروف نشسته آقای کری نشسته، خانم موگرینی هم نشسته، آقای لاوروف اومده آنجا که جلسه را متوقف کنیم. حالا از آن طرف هم کنگره آمریکا گفته اگر تا این تاریخ به نتیجه نرسید من تحریم ها را برمی دارم. اینکه دیگه رئیس جمهور اجازه نداره برگردونه تصویب خواهم کرد. رفتم آنجا کری به من گفت که

مجری: ببخشید از دیپلمات ها می پرسم شما سرزده رفتید؟

ظریف: نه دیگه چون همکاریش آمده بود من پاشدم رفتم.

مجری: یعنی آن ها ابایی نداشتند که آقای لاوروف و آقای کری در حال مذاکره با ایران بودند و شما برید داخل؟

ظریف: حالا دیگه ابا داشتن یا نداشتن وقتی دیگه من ...

مجری: اتفاق افتاد.

ظریف ادامه: وقتی من رفتم اتاق آقای کری...

مجری: آقای ظریف این ها را نوشتید جایی یواشکی؟

ظریف: نه. اتاق آقای کری نزدیک رستوران بود.

مجری: بله.

ظریف: من پاشدم رفتم، گفتم بریم با خودش صحبت کنیم، نگفت به من کسی پیشش است. من رفتم و معلوم شد که آقای لاوروف رفته کری و موگرینی را صدا کرده و گفته باید پاشم برم، من دیگه نمی توانم من از الان دیگه می روم پنجشنبه برمی گردم. یعنی ۴ روز این وسط و خیلی هم کار مهمی داشت، ناهار داشت فراداش با آقای اسلام کریم دوف رئیس جمهور ازبکستان.

مجری: بله.

ظریف: من رفتم آنجا و دیدم کری نشسته و به من گفتش که چی میگی. من گفتم این برای من قابل قبول نیست، من این تعدادی که تو می گی من نمی توانم بپذیرم. لاوروف گفت که خب پس تو که دستور العمل نداری پس ما برویم تا تو بری دستور العملت را بگیری. گفتم به تو هیچ ربطی ندارد. با همین لحن، یعنی که لحن بسیار بی ادبانه ...

مجری: و غیر دیپلماتیک؟

ادامه ظریف: خیلی غیر دیپلماتیک. من آخه با لاوروف از سال ۱۹۹۴ رفیقیم.

مجری: که اون موقع که اون (لاوروف) سفیر بود؟

ظریف: آره سفیر بود، اون موقع من معاون بین الملل بودم، لاوروف سفیر بود.

مجری: اون ها معمولا سفرا رو می کنند وزیر خارجه

ظریف: آره. البته ما سفیرمون رو بی کار کردیم. (صدای قهقهه ظریف و خنده مجری) بهش گفتم یعنی یک عبارت بی ادبانه به کار بردم فقط یه نان آو یور بیزینس که به تو ربطی نداره

مجری: یه یو آر بستت هم بهش اضافه کردید اولش

ظریف: نه یه چیزی بین بیزینس و نان آو یور اضافه کردم که همان حدودها بود ولی خب اصلا قابل ذکر نیست.

مجری: حداقل از طرف جنابعالی، من می دانم دیگه (خنده مجری)

ظریف: (خنده ظریف) نه شما هم نمی دانید. خلاصه اینجا جنگ معنا یافت. خانم شرمن من تنها رفته بودم ولی آن ها همشون با مشاورینشون بودند.

مجری: معاون کری؟

ظریف: معاون کری. گفت ما برویم بیرون فقط خود رؤسا بمانند. من گفتم به تو چه ربطی دارد که من استروکشن دارم، دستورالعمل دارم یا ندارم. گفت به من ربط دارد. من هر وقت صلاح دانستم دستورالعمل را می گیرم. الان هم من اجازه ندارم ... گفت داری وقت من را تلف می کنی، گفتم چی دارم وقت تو رو تلف می کنم. شما اونی که من می خواهم به من بدهید من همین جا می روم و دستورالعمل را می گیرم. کری آن جا به حمایت از من درآمد و گفت جواد تا حالا حرفی نزده که اجرا نکرده باشد لذا بعد من با فاصله چند دقیقه از آقای کری ۷، ۸، ۱۰ نفر را از لیست خارج کردم با فشاری که آوردم با همان فحش کاری، بعدم هم رفتم تو اتاقم، من دستورالعمل داشتم، اومدم و گفتم قبوله.

مجری: این ها هیچ کدوم تا الان منتشر نشده؟

ظریف: نه. این ها هیچ کدوم منتشر نشده. آقای لاوروف گفته بود من فردا ظهر با کریم اوف قرار ناهار دارم. ??? اومد حالا من نمی دانم دوستان عکسش رو دارند یا نه. رفتیم سر یک میز نشستیم همگی و در اون میز، میزی است که آقای کری در اون خاطره جنگ ویتنام را تعریف کرد و گریه کرد خودش. سر میز نهایی کردن برجام، همان میزی که امضاها را کردند.

مجری: عجب عجب.

ظریف: امضا هم نیست ها این ها یادگاریه، هرکس برای اینکه در سوابق خودش داشته باشه یه نسخه در آورد امضا کرد، بعد آقای عراقچی و روانچی هم گفتند ما یک نسخه می خواهیم که من به فارسی برای آن ها نوشتم و تقدیم به عباس آقا و مجید آقای عزیز، لذا اصلا امضا نیست، اونا نسخه یادگاری است. اونجا این کار را کردیم جلسه تمام شد، یک عکس جمعی تو اون جلسه داریم، یک عکس جمعی بعدش داریم دیگه می رفتیم تو سالن اصلی که اون عکس رو دیدید. بعدش آقای لاوروف چون گفته بود من با کریم اوف ناهار دارم، درسته که به نهار نمی رسید، شام دیر وقت نمی رسید اما پاشد رفت. یعنی ما این شرایط را داشتیم. خب

مجری: ببخشید

ظریف: آقای سلیمانی. برگردیم به اصل قصه مون. این قصه تا این جاش که واقعا و وقتی که آقای لاوروف برگشت مسکو مورد حمله روزنامه های روسیه قرار گرفت که چرا شما اجازه دادید این توافق منعقد بشه و ایران بغلطه تو دامن غرب. خب آقای سلیمانی در ماه بهمن درخواست سفر به روسیه کرده بود. در ماه تیر بعد از اینکه اوضاع سوریه، من اینو از وزیر خارجه کنونی سوریه که قائم مقام بود تا چند وقت پیش یک بار که آمد پیشواز من در فرودگاه سوال کردم گفتم شما در تیرماه و مردادماه ۹۴ آیا هنوز شرایطتان شکننده بود؟ گفت نه ما عبور کرده بودیم. یعنی روس ها بعد از اینکه اون نیاز ما مرتفع شده بود آقای سلیمانی

را دعوت کردند به مسکو با این هدف، ما ادعا می کنیم که آقای سلیمانی اونجا آقای پوتین را راضی کرد، آقای پوتین تصمیمش را گرفته بود.

مجری: یعنی پوتین سلیمانی را در واقع قانع کرد؟

ظریف: ببینید پوتین وارد جنگ شد با نیروی هوایی، اما نیروی زمینی ایران هم وارد جنگ کرد، ما تا آن زمان هیچ ...

مجری: آن قدر شهید نداده بودیم، درگیر نشده بودیم.

ادامه صحبت ظریف: اصلا نیروی زمینی ما نداشتیم آنجا. نیروی زمینی که آنجا داشت می جنگید سوری ها بودند

مجری: اعراب بودند، لبنانی ها بودند.

ظریف: اعراب بودند. چین بود؟؟؟؟ دقیقه ۵۳ حداکثر افغانی ها بودند. یعنی داوطلبانه رفتند، نیروی ایرانی نبود. روسیه می توانست از دریای مدیترانه سوریه را بزند.

مجری: بندر ترسوس

ظریف: چون اونجا بالاخره روسیه ابرقدرته، موشک قاره پیما دارد. چرا از روی ایران زد، چرا هواپیماهای روسیه از روی ایران پرواز کردند. این ها همه مال بعد برجام است.

مجری: نقض قانون اساسی بود؟

ظریف: حالا من اون رو نمی دونم، نقض بود یا نه. این اتفاقاتی که افتاده موشک اسرائیل باید نابود شود. این اتفاقات با روسیه و مابعدش. اتفاقاتی که بعدش در منطقه افتاد، حمله به سفارت عربستان، گرفتن قایق های آمریکایی، همه این ها برای این انجام شد که برجام نشود.

مجری: آقای دکتر

ظریف: بعد از اون که من گفتم ما هزینه میدانی کردیم میدان هزینه ما نکرد این ها هیچ وقت پخش نخواهد شد ولی چون شما خواستید همه چیز بماند. در ژوئنه، ما ژانویه ۲۰۱۶ برجام را توافق کردیم یعنی برجام عملیاتی شد، ژوئیه ۲۰۱۵ برجام توافق شد و ژانویه ۲۰۱۶ یعنی ۲۶ دی ۹۴ برجام اجرایی شد. از ۲۶ دی ۹۴ ما وارد خرید هواپیمای بوئینگ و ایرباس شدیم و خروج ایران ایر از فهرست تروریستی آمریکا که بتواند هواپیما بخرد. خب در ژوئن ۲۰۱۶ یعنی در خرداد ۹۵ آقای کری به من گفت از روزی که ما هواپیمایی هما را، هواپیمایی جمهوری اسلامی را از لیست ما خارج کردیم تا امروز پروازهای هما به سوریه ۶ برابر شد من گفتم مگه میشه اصلا پرواز به سوریه را ماهان انجام می دهد، ایران ایر انجام نمی دهد

رفتم به آخوندی گفتم وزیر راه آن زمان، گفت نه همچین چیزی نیست. آخوندی رفت به پرورش گفت، پرورش آن زمان رئیس هواپیمایی بود، پرورش گفت درسته حاج قاسم فشار آورده ما پروازهایمان را به سوریه زیاد کردیم.

مجری: ببخشید رئیس سازمان هواپیمایی کشوری این اجازه را داشت که بدون نظر وزیر راه ظریف: رئیس هواپیمایی کشور نبود، رئیس هما بود.
مجری: دیگه بدتر.

ظریف: حالا کرده بود دیگه. گفت حاج قاسم

مجری: خدا بیامرز اوایل انقلاب آیت الله حسنی گفته بود آقای تاجر تو یک سخنرانی گفته بود اون وقت محافظش مثل محافظ جنابعالی در گوشش می گوید حاج آقا ایشان خانم است، میگه دیگه بدتر. من فکر کردم آقاس و روش رو برای ما زیاد کرده است. آقای دکتر؛ مدیرعامل هما مگه اجازه دارد که ..

ظریف: من که عرض کردم که وقتی که میدان تصمیم گیر باشد همین می شود.
مجری: نه این نشانه شکاف در دولت هم است.

ظریف: حالا به هر شکل آقای پرورش به من گفته بود به من فشار آوردند و من اجازه دادم که این پروازها اضافه شود. خب من هفته ای یک بار حاج قاسم را می دیدم، آن وقت ها فکر می کنم یکشنبه بود، آخری ها سه شنبه شده بود. ما خیلی با هم رفیق بودیم. بهش گفتم قاسم جان چرا این کار را می کنی؟ گفتم با ماهان برو. گفت هما امن تره. یعنی در این حد دیپلماسی فدای میدان شد.

مجری: و هیچ گاه هم چیزی نگرفت؟

ظریف: چی گرفت؟ بگید شما.

مجری: یعنی متقابلا، یعنی شما به نظرتون می ارزید این وضعیت؟

ظریف: نه خب حالا به جای هما با ماهان می رفتیم چی می شد. این ها دیگه پالس هایی را فرستاد که

مجری: آقای دکتر الان جنابعالی نکته بسیار مهمی رو دارید میگوید. چون

ظریف: خب حالا من دیگه انقد حرف های بد می زنم که

مجری: شما می فرمایید که گروهی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی برای اینکه برجام موفق نشود با دشمنان استراتژیک ایران یا رقبای استراتژیک ایران دست به یکی کردند که برجام شکست بخورد.

ظریف: خیر من این را نمی گویم.

مجری: ته فرمایش شما اینگونه بود.

ظریف: نه خیر اصلا من این را نمی گویم. من می گویم وقتی که

مجری: آقای اصلا اگر امت همیشه در صحنه داوری بخواهند بکنند

ظریف: امت همیشه در صحنه این را گوش کنند من هنوز حی و حاضر هستم وقتی که میدان بخواهد تصمیم بگیرد به جای یعنی اهداف میدانی بخواهد حاکم بشه بر استراتژی کشور این می شود که می توانند با ما بازی کنند یعنی

مجری: اجازه می دهید آقای دکتر که این نکته رو بگم

ظریف: نه نه نه من نمی گم آقای سلیمانی رفته دست به یکی کرده با

مجری: آقای ظریف شما می فرمایید که ماهان هست، استفاده از هما لجبازیه.

ظریف: نه نه نه، اصلاح لجبازی نیست، اون میگه چون میدان اصله اگر دو درصد هما امن تر از ماهان باشه باید از هما استفاده کنم حالا اگر این می خواهد ۲۰۰ درصد به دیپلماسی ضرر بزند باشه.

مجری: خب اون فرمانده کل چی؟ اون فرمانده مرکزی؟ مگه شورای عالی امنیت ملی رئیسش رئیس جمهور نیست؟

ظریف: اصلا این ها در شورای .. وزیر راه خبر نداره چه برسد به رئیس جمهور.

مجری: آقای دکتر این همان حاکمیت دوگانه لنین است؟

ظریف: خیر. این حاکمیت دوگانه نیست. این حاکمیت میدان است.

مجری: یعنی حتی یگانه؟

ظریف: حاکمیت یگانه است. میدان تصمیم می گیرد. علت این که من هی تکرار می کنم ۵ عضو رأی دهنده شورای امنیت ملی دارد یکیش نظامیه.

مجری: ولی اون تصمیم گیر نهایی است.

ظریف: نیست

مجری: الان عملا

ظریف: عملا این در شرایطی است که شما اختیار تام می دهید به میدان.

مجری: آقای دکتر در عمل دیگه برون دار، خروجیش، اوت پوت، اینا همش به هر زبانی که بگید، خواهش می کنم به ۵ زبان دیگه هم شما کمک کنید. اینه که یک آنارشیسم را بازتاب می کنه.

ظریف: نه اصلا این طور نیست. اصلا این طور نیست. این یک واقعیت را نشان می دهد که دیپلماسی

مجری: آنارشیسمی است اوضاع.

ظریف: نه خیر که دیپلماسی به عنوان یک، ببینید مشکل من با تفکر رئالیسم است. ما نگرشمون نسبت به روابط بین الملل نگرش جنگ سردی است. معتقدیم آن کس که در میدان قوی است در صحنه بین المللی قوی است، معتقدیم هنوز ما سیاست قایق های توپ دار را معتقدیم هنوز باور نکردیم که اقتصاد هم نقشی دارد در قدرت. هنوز باور نکردیم که دیپلماسی هم نقشی دارد در قدرت، هنوز باور نکردیم که انسجام ملی هم نقشی دارد در قدرت. ما قدرت را داریم تک ساحتی می بینیم. چون قدرت را تک ساحتی، به خاطر همین من مثال شورای امنیتی می زنم میگم چرا شورای امنیت ۵ عضو رأی دهنده دارد به خاطر اینکه نویسندگان قانون اساسی ما قدرت را ۵ ساحتی دیدند. تک ساحتی ندیدند. اما ما داریم در عمل قدرت را تک ساحتی می بینیم، در تبلیغ صدا و سیما قدرت را تک ساحتی می بینیم، مردم ما قدرت را تک ساحتی می بینند، این که می گویم مردم انتخاب کرده اند مردم اون قدرت را پسندیدند، اون قدرت را دیدند. حاضر شدند قدرت های دیگه را فدای اون قدرت بکنند. انتخابه این. فراموش نکنید. این یک انتخاب است. ممکنه من دلخور باشم چرا وضع اقتصادی خوب نیست اما انتخاب کردم.

مجری: آقای دکتر ظریف ما عکس اون خانم که هم شما را متاثر می کنه هم من رو دیدنش داریم اینجا که وقتی که آقای روحانی رئیس جمهور شدند من یادمه اولین اثرگذاری شما در صحنه ای که من یادمه خیلی

ظریف: بلند کردن اون اکسیژن خانمی بود که

مجری: نه نه نه. من یادمه شما اون تویییتی که کردید که حالا اون آقای که معتقد به نابودی اسرائیل بود

ظریف: اون آقایی که ادعا می کردند معتقد به نابودی اسرائیل هستند رفته خونشه

مجری: این مثل توپ رفته در دنیا ترکید. این مرد، این ها شما را انتخاب کردند. چرا می فرمایید که، چرا آقای روحانی فکر می کنید که مردم اون ها را می پسندند، تفکر میدانی را می پسندند. ببینید.

ظریف: بگم من دلایلش رو

مجری: بذارید من صرفه نظر از این دوربین به شما بگم. ما در بعد از انقلاب

ظریف: عصبانی نشو من الان بهت می گم چرا

مجری: ما در بعد از انقلاب یکی از متالیستترین ملل جهان را در ملت های دنیا را درست کردیم که می گویند ما فقط و فقط الان هرکس حرف از اقتصاد بزند می شناسیم ولی اینطوری نیست که بگوییم مردم خودشان را فدای میدان می کنند.

ظریف: من به شما عرض بکنم یا عرض نکنم.

مجری: نه خواهش می کنم جنابعالی باید صحبت کنید من که

ظریف: ببینید شما مراسم تشییع.

مجری: من اونجا بودم

ظریف: خیلی خوب. یک سردار شهید را بدرقه می کردید، من قتله مظلومه فجعله و.... ولی سلطانا. ما ولی اون بودیم، قبل از شهادت چی. قبل از شهادت در تمامی نظرسنجی هایی که ما داشتیم از حدود سال ۹۶ تا سال ۹۹ محبوبیت من از نزدیک ۹۰ درصد اومد به نزدیک ۶۰ درصد، محبوبیت شهید سلیمانی در نظرسنجی های مردم رفت به ۹۰ درصد.

مجری: خب شاید به خاطر این بود که آقای سلیمانی نشان داده بود که کارش را انجام می دهد ولی ما این کار را نتوانستیم بکنیم. یعنی این مصلحت اندیشی ها آیا اثری نداشتند؟

ظریف: من، خب اینا توجیه است. ببین عزیز من این ها توجیح است واقعیت این است که مردم ما قهرمان بودن در منطقه، مردم ما این را می پسندند. ما نوکر مردم، نوکر همان هایی هستیم که می پسندند.

مجری: آقای دکتر ما

ظریف: ببینید بازم اشتباه نشه من برای شهید سلیمانی وقتی شهید شد گریه کردم و

مجری: من تا یک هفته نمی تونستم جلوی اشک هایم را بگیرم.

ظریف: هر دفعه که می دیدمش بغلش می کردم، فلاح خیرالحافظا در گوشش می خواندم. معتقدم که کشور یک ضربه بی نظیری را تحمل کرد بعد از رفتن شهید سلیمانی، معتقدم که آمریکا با زدن شهید سلیمانی ضربه ای به ایران زد که با زدن یک شهر به ما ممکن بود نتواند بزند. این ها اعتقادات من است. همه جا گفته ام، حتی در جمع های خصوصی اما باید بدانیم ما مردم ما بین دیپلماسی، خب می دیدند که من دارم خودم را می کشم، می دیدند که از داخل و خارج داره به من ضربه می خورد. می دیدند که من علیرغم همه این ها هنوز روی حرفم ایستاده ام. می دیدند که من هر روز فحش می خورم چرا به خاطر اینکه همان چیزی که مردم می خواهند را دارم می گویم. درست؟ محبوبیت من نه در نظرسنجی صدا و سیما، در نظرسنجی دانشگاه مریند از ۸۸ درصد اومد به زیر ۶۰ درصد، محبوبیت شهید سلیمانی از ۷۰ درصد رفت به بالای ۹۰ درصد. من این را فقط این می بینم. دو تا چیز می بینم یک برخلاف تصویری که دوستان ما دارند صدا و سیما نقش بسیار مهمی در شکل گیری افکار عمومی دارد هرکی فکر می کند جز این است اشتباه می کند دوم اینکه مردم اینگونه قهرمانی را می پسندند یعنی مردم هم میدان را به سیاست به اقتصاد به امنیت ترجیح می دهند. اگر قبول ندارید برید توجیح نکنید.

مجری: آقای دکتر مسئله من مسئله این نیست که قبول داشته باشم یا نه. من می دانم که صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنچه توانست کرد که ما در انتخابات ۹۲ و ۹۶ پیروز نشویم، صدا و سیما بذارید صریح بگم می خواهد پخش کند یا نکند، صدا و سیما اگر آبرو داشت که شما وزیر خارجه نمی شدید. آبرو نداره که شما وزیر خارجه شدید.

ظریف: عزیزدل من

مجری: چطور ممکن است که در روی کار آمدن شما نقش نداشته باشد اما در ملکوک کردن شما نقش داشته باشد.

ظریف: کرد

مجری: من معتقدم بذارید من پاسخ مخالفان رو بگویم. شما می فرمایید من کشور را در آستانه جنگ و تحریم شده تحویل گرفتم و در پایان سال ۹۹ ما در آستانه جنگ و در حال تحریم داریم تحویل می دهیم قدرت را، آیا مخالفان شما

ظریف: آیا من کشور را به جنگ و تحریم بردم؟

مجری: احسنت. آقای دکتر ما این را نیامدیم به مردم بگویم.

ظریف: خب این را نیامدید به مردم بگیم باز چرا

مجری: آقای ظریف: یه آقایی دیروز جای شما نشسته بود می گفت چرا من مقصرم که نگفتم مشکلات تحریم را

ظریف: کی بود؟

مجری: آقای علی ربیعی سخنگوی آقای روحانی.

ظریف: اجازه بدید، اجازه بدید. ببینید من توی مصاحبه با عصر اندیشه گفتم ان شاءالله که بتوانند چاپش کنند. من اعتقاد ندارم که سیاست خارجه موضوع کف کوچه است اما شده موضوع کف کوچه. درسته؟

مجری: بله

ظریف: آیا در سیاست خارجی فقط قسمت دیپلماتیکش است که کف کوچه است یا سایر قسمت ها می توانند کف کوچه باشند. ببینید یک قسمتی از، من وقتی می گویم میدان حاکمه یعنی میدان حاکم بر سیاست خارجی است.

مجری: من فداکاری جنابعالی را ستایش می کنم.

ظریف: میدان حاکم بر تبلیغات است، میدان حاکم بر اظهارنظرها است، میدان حاکم بر همه چیز است. یعنی شما نمی توانید بگویید چند نفر در سوریه کشته شدند. شما نمی توانید بگویید کری باید به من خبر دهد که ۲۰۰ بار اسرائیل به شما حمله کرده در سوریه.

مجری: شما نمی دانستید این را؟

ظریف: نه. نه. شما می دانید که

مجری: همان هواپیمای اوکراینی

ظریف: شما می دانید که آمریکا زودتر از من خبر حمله به عین الاسد را شنید؟ یعنی آقای نخست وزیر عراق ۴۵ دقیقه قبل از حمله به عین الاسد، دو نماینده نیروی قدس رفتند پیشش و گفتند ما به عین الاسد نه به عین الاسد ما به زودی به یک پایگاه آمریکایی در عراق شلیک می کنیم.

مجری: این همون یعنی شما در سلسله عواملی که استعفای ۲۴ ساعتون منجر شد دارید اشاره می کنید؟

ظریف: نه نه نه. اون که یک چیز دیگر بود.

مجری: بله سفر اسد به ایران

ظریف: البته اون رو من خبر داشتم. سفرا سد به ایران را من و سردار سلیمانی با همدیگر هماهنگ کرده بودیم ولی وقتی آوردنش به ایران به من چیزی نگفتند. در تلویزیون دیدم و دیدم که عکس همه رو دارن نشون می دهند به غیر از عکس من را و بعد از اون روز من فهمیدم که اگر استعفا ندهم دیگر وزیر خارجه این کشور نیستم کسی در دنیا باقالی بار من نمی کند چه برسد به اینکه با من مذاکره بکنه. اما حالا من اون رو نمی گم بعد از شهادت سلیمانی بنده عضو شورایی عالی امنیت ملی هستم عضو دائم، عضو رسمی به قول علمی عضو پیوسته خب، آقای عادل عبدالمهدی ۴۵ دقیقه قبل از حمله خبر دار شد و فوراً به آمریکایی ها خبر داد، من ۲ ساعت بعد از حمله خبردار شدم.

مجری: آقای دکتر ظریف من این فداکاری جنابعالی را که همچنان در راستای ماموریت ۴۲ ساله شما است، ستایش می کنم که همین الان هم شما دارید خودتان را در واقع آماج حمله قرار می دهید که می توانید آقای دکتر روحانی را حداقل برکنار نگه دارید از این حمله و حاکمیت دوگانه اشاره نکنیم. از نظر من این مر حاکمیتی دوگانه است ولی مگه آقای روحانی رئیس شورایی عالی امنیت ملی نیست؟ مگه ممکنه که ایشون بین نظامی ها و سیبیل ها از یک طرف تو اقتصاد و بین نظامی ها و دیپلمات ها از طرف دیگه هماهنگی برقرار نکند؟ مگه وظیفه آقای روحانی جز این است؟ در دولت دومشان فکر می کنم یک جلسه ای نمی دانم دوستان من بتوانند نشان بدهند یا نه یک جلسه ای با دوستان و برادران نظامی ما داشتند که از جمله شهید سلیمانی هم تا آن جا که من خاطر م هست شرکت داشتند

ظریف: بله بودند.

مجری: چی مطرح می شد اینجا؟ مگه سخت بود که بگویند آقا در مورد هما من باید تصمیم بگیرم؟ در مورد عین الاسد من باید در جریان باشم، یادتون هست سرجریان هواپیمای اوکراینی ما آبروی دولت را بردیم. این ها آقای دکتر مردم را ناامید می کند از منتخبان خودش وگرنه من عضو ستاد آقای روحانی بودم هم سال ۹۲، هم سال ۹۶

ظریف: خب من هیچ وقت نبود. ظهر جمعه.

مجری: ولی من وزیر خارجه اش نشدم.

ظریف: (خنده ظریف) بدشانسی من و خوش شانسی شما. عرض کنم حضورتون که

مجری: من بیرون بودم همیشه

ظریف: من ظهر جمعه

مجری: دارید راجع به اوکراینی صحبت می کنید.

ظریف: چهارشنبه صبح اوکراینی رو زدن دیگه؟

مجری: سحرگاه

ظریف: سحرگاه. من ظهر جمعه رفتم جلسه ویژه ای که در دبیرخانه شورای عالی امنیت گذاشته بودند. عرض کردم که خب حالا دنیا داره میگه موشک خورده به این، اگر واقعا موشک خورده بگید ما ببینیم چه طوری می توانیم خاموشش کنیم. خدا شاهده آنگونه با من برخورد کردند که انگار من کفر ابلیس گفته ام. جلسه ۴ نفر ۵ نفر بودیم، دبیر شورای امنیت بود، وزیر راه بود، رئیس ستاد کل بود و بنده.

مجری: یعنی دو نظامی محترم و دو نظامی محترم؟

ظریف: بله همین بودیم، وقتی که این رو گفتم انگار من کفر ابلیس گفتم.

مجری: آقای دکتر بعدازظهر پنجشنبه من فهمیده بودم این رو

ظریف: نه همه این را حدس می زدند. من رفتم آنجا و گفتم آقا، گفتن نه یعنی چی. البته همکارانشون بودند، همکاران آقای شمخانی ولی من تنها بودم از وزارت خارجه، یعنی چی شما چه جوری القائات و آقای خسروی اینجوری گفت یا بعد خب برو، برو توئیت بزن تکذیب کن. گفتم ببینید من وزیر خارجه ام، من قرار است که پیام توجیح کنم اما دیگه کسی حرف من را نمی خواند. سرلشگر باقری یک بیانیه بده من بیانیه سرلشگر باقری را توئیت می کنم. یعنی حتی برای اون وقت هم اون چه که باعث بشه جلسه را بستند، جلسه را تمام کردند. گفتند حالا ما یک نفر را پیدا می کنیم تو نیروهای مسلح که این حرف را بزند. گفتم نه سرلشگر باقی بگه من دنبال می کنم. رفتند آقای شمخانی و سرلشگر باقری رفتند بالا، من و آقای اسلامی پایین ایستادیم نماز خواندیم، وقت نماز ظهر بود و ایستادیم نماز خواندیم. بعد من سرم را انداختم پایین رفتم خونه. آقای اسلامی رفت بالا، حالا آقای اسلامی علی القاعده می دانسته اون وقت که ایشان بالاخره اطلاعات داشته

مجری: ولی ایشان به شما نگفتند؟

ظریف: هیچ کس به من نگفت.

مجری: آقای رئیس جمهور

ظریف: من آقای رئیس جمهور را نمی دانم بعدا آقای شمخانی به من گفت که من آخه بعد از اون مدت ها بعد از اون دیگه شورای امنیت نرفتم دبیرخانه

مجری: آقای دکتر چرا دکتر روحانی محمد اسلامی را درجا اخراج نکرد؟

ظریف: حالا من دیگه این ها رو نمی دونم.

مجری: آقا همین هاست ، اگر می دانست.

ظریف: من نمی دانم می دانست یا نه.

مجری: آقا همین دیگه. پس نمی دونسته.

ظریف: من می دونم مهندس اسلامی یکی از بهترین وزرای ما است.

مجری: بله

ظریف: اشتباه نشه.

مجری: نه من هم خوب می شناسمشون.

ظریف: خیلی وزیر خوبیه ولی من این را خدمتتون عرض کنم بنده وزیر خارجه وقتی من می گم میدان حاکمه اینه. میدان حاکم است. بنده به عنوان وزیر خارجه حتی حق ندارم بدانم که موشک خورده به این. در صورتی که صبح پنجشنبه آقایان می دانستند که موشک خورده یا بعدازظهر چهارشنبه.

مجری: من از صبح چهارشنبه می دانستم.

ظریف: نه شما حدس می زدید.

مجری: نه اون ها. خودشان که می دانستند چی چی

ظریف: حالا واقعیت امر

مجری: آقای حاجی زاده ظاهر گفتند که متوجه شدند.

ظریف: حالا متوجه شدند یا نشدند ظهر جمعه به وزیر خارجه گفتند این جوری. ساعت ۲ بعدازظهر جمعه به آقای عراقچی زنگ زدند گفتند ما به زودی خبر خواهیم داد که ۱۰ شب جمعه جلسه گذاشتند و پهلوی رئیس جمهور و اون وقت هم ندادند و ۷ صبح شنبه خبر دادند و من به عنوان اولین نفر در جمهوری اسلامی بعد از اینکه خبر را رادیو خوند رفتم عذرخواهی کردم از مردم خودمان و اوکراینی ها.

مجری: من یادمه آقای ربیعی اون روز گریه می کرد، شما در جلسه ساعت ۱۰ شب جمعه که نبودید؟

ظریف: چرا بودم. جلسه شورای امنیت بود.

مجری: اونجا نگفتید، صحبت نکردید، اعتراض نکردید به آقای رئیس جمهور، آقای رئیس جمهور یک کلمه نگفت آخه این چه بساطی است، ببینید آقای دکتر ما ممکنه به دنیا آمدن یک کسی را پنهان کنیم اما مردنش را که نمی توانیم پنهان کنیم. سقوط هواپیما را که نمی شود پنهان کرد.

ظریف: عزیز من بازم شما هنوز داری در یک حوزه ای توضیح می دی که من با یک کلمه جواب دادم در جمهوری اسلامی میدان حاکم است.

مجری: من مخاطبم شخص جناب آقای وزیر خارجه نیست. من معتقدم آقای رئیس جمهور چی گفته اون جلسه ساعت ۱۰ که آقا بالاخره این

ظریف: اون جلسه ساعت ۱۰ بیشتر دعوا سر کلمات بود، بردیم بود.

مجری: آقای رئیس جمهور

ظریف: آخر هم نظر آقایون جا افتاد. علیرغم نظر آقای رئیس جمهور.

مجری: آقای رئیس جمهور چی بود نظرشون که علیرغم نظرايشون بود؟

ظریف: حالا. دیگه جمله ای بود که اتفاقا من تو جلسه یک پیشنهادی دادم که من آخه چون دیپلماتم همیشه تلاش می کنم پیشنهاد بینا بین بدم، پیشنهاد بینابین من را آقای رئیس جمهور رد کرد، من بعد از جلسه رفتم گفتم آقای رئیس جمهور پیشنهاد من را رد کردی ولی صبح پیشنهاد این ها می آید بیرون. همون هم شد.

مجری: چی بود پیشنهادتون؟ اجازه داریم پرسیم

ظریف: نه به خدا یادم نیست نه اینکه ، اگر متن را یکی الان بیاورد شاید یادم بیاید.

مجری: خب این منطقا در واقع همین جوریه یعنی ما می توانیم بگویم توی منطقه توی دولت آقای روحانی دستاوردی داشتیم.

ظریف: ببینید در مورد منطقه باید بگم بازم باید انصاف را رعایت کنیم. وقتی که من حالا بذارید من یک کم از این ورش هم بگم. وقتی که مذاکرات افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی

مجری: با آمریکا؟

ظریف: با آمریکا، اگر سردار سلیمانی نبود من هیچ دستاوردی نداشتم. در مذاکرات سال ۲۰۰۳ که من با آمریکایی ها داشتم در مورد عراق ۲ بار قبل از حمله، یک بار بعد از حمله باز هم اگر سردار سلیمانی نبود و اطلاعات سردار سلیمانی نبود باز هم من دستاوردی نداشتم.

مجری: اون تعادلی که در شورای عالی امنیت ملی می فرمایید در این دو حوزه اتفاق افتاده؟

ظریف: اون وقت در شورای عالی امنیت هم اتفاق نیفتاده، بین من که مسئول این کار بودم و سردار سلیمانی ما توانستیم یک هماهنگی ایجاد کنیم.

مجری: یعنی میدان دیپلماسی؟

ظریف: آره توانستیم یک هماهنگی برقرار کنیم و آقا هم در واقع هماهنگ کننده این هماهنگی بود. یعنی ما را دستمان را گذاشته بود در دست یکدیگر ما با هم کار کردیم.

مجری: ولی مثلا این اتفاق در بگرام نمی افتاد؟

ظریف: نه نیفتاد.

مجری: همین که از طرف آقا می فرمایید

ظریف: خب نه ما همکاری می کردیم واسه همین می گم بهت

مجری: ولی دست به دست ندادند؟

ظریف: در سوریه ما مثلا آستانه را با همکاری به دست آوردیم خب، ولی منفعت آستانه به سوریه رسید، به میدان رسید به دیپلماسی ما نرسید، این رو از هم مجزا بکنیم، یعنی دیپلماسی آمد و در خدمت میدان کمک کرد. در حلب وقتی که می خواستند زندانی های حلب را خارج کنند دیپلماسی آمد در خدمت ما که ما بتوانیم فاه و کفگیرها را هم آزاد کنیم.

مجری: آقای دکتر

ظریف: حالا بذار من داشتم چی رو می گفتم که گفتم این ورش را هم بگم.

مجری: در افغانستان؟ ۲۰۰۱ عراق؟ ۲۰۰۳

ظریف: نه گفتم اینجا که کمک کرد من شدم وزیر خارجه قبل از اینکه مذاکرات بگرام شروع بشه، بعضی ها می گویند این دولت همه توجهش را گذاشت روی بگرام و به منطقه نپرداخت. قبل از اینکه مذاکرات بگرام شروع بشه من سردار سلیمانی را دیدم. به شهید سلیمانی گفتم با منطقه چیکار می توانیم بکنیم. گفتند ما ۴ تا حوزه در منطقه داریم که با عربستان اختلاف داریم باید یه جورایی این ها را حلش کنیم. بحرین، عراق، سوریه و لبنان. مرحوم شهید سلیمانی گفت یمن هم هست. من دارم راجع به کی صحبت می کنم؟

مجری: هنوز داستان یمن شروع نشده؟

ظریف: هنوز داستان یمن شروع نشده. شهید سلیمانی گفت یمن هم هست، گفتم خیلی خوب. من به سعودی ها پیشنهاد بکنم ما بشینیم با همدیگر راجع به این مسائل به حل و فصل برسیم، دعوا نکنیم، به مردم اینجاها کمک کنیم. گفت آره قبول دارم. گفتم میشینیم با همدیگر چارچوب

تعیین کنیم که چه جوری به راه حل برسیم. ممکن بود که تو چارچوب ها به نتیجه نرسیم ها اما اصلش را قبول کرد منجمله طرح ۴ ماده ای که من در سوریه دادم و طرح ۴ ماده ای که من در یمن دادم هر دوش با شهید سلیمانی هماهنگ شده بود یعنی شاید مبدا هر دوش شهید سلیمانی بود، این ها را هم داشته باشید. گفتم می توانیم این کار را بکنیم، گفت آره. گفتم خب حالا اگه سعودی ها گفتند من را قبول ندارند و می گن همه کاره سلیمانی است خودت حاضری بشینی با سعودی ها صحبت کنی؟ گفت آره. خب، من از طریق آقای سلیمان پور و آقای سجادپور، آقای سلیمان پور معاون مطالعاتی زمان آقای صالحی بود من نگاهش داشته بودم چون کارمند قدیمی وزارت بود من می شناختمش، آقای دکتر سجادپور هم که الان همان معاونت را دارد اون وقت با آقای سلیمان پور همکاری می کرد. استاد دانشکده بود مثل من. فرستادیم. این ها داشتند می رفتند مذاکراتی که با سعودی به اصطلاح مذاکرات مسیر داشتند از زمان آقای احمدی نژاد هم بود، حالا اولین جلسه هم در دولت جدید بود مثل مذاکرات با آمریکایی ها در عمان زمانی که آقای احمدی نژاد شروع شد توسط دکتر صالحی ما ادامه دادیم. این یک مذاکره دیگه ای بود ولی با نمایندگان دولت سعودی نبود با نمایندگان دولت گروه های مطالعاتی بود. از طرف سعودی آقای عبدالعزیز سقفی شرکت می کرد ما داریم زمان کی صحبت می کنیم. زمان ملک عبدالله و آقای عبدالعزیز سقر روابطش با کاخ سلطنتی و روابط بسیار تنگاتنگی بود.

مجری: حتی او مد ایران سعود الا فیصل

ظریف: نه دوره ما نیامد دوره آقای احمدی نژاد بود. من به آقای سلیمان پور گفتم به سقر بگو که ایران که فلانی پیغام فر

مجری: ببخشید سقر با سین و قاف؟

ظریف: فکر می کنم با سین و قاف

مجری: یعنی جهنم؟

ظریف: (صدای خنده) حالا ممکنه با غین باشه

مجری: بله.

ظریف: حالا باید نگاه کنید.

مجری: بله ببخشید

ظریف: عرض کنم. آره من تا حالا به این فکر نکردم. عرض کنم که پیغام دادیم که فلانی به آقای سعود الا فیصل

مجری: ببخشید بنده عزیز جهنم می شه بنده شیطان.

مجری: (صدای خنده ظریف و مجری) ببخشید معذرت می خواهم

ظریف: رفت و این پیغام را داد که ظریف آمادگی دارد که با شما در مورد این ۵ حوزه به تفاهم برسد

مجری: یعنی بشینیم یک بار سنگ ها را وا بکنیم؟

ظریف: آره و اگر شما مقام هم سطح شهید سلیمانی را هم توی این قضیه بیاورید آقای سلیمانی هم حضور دارد. چه در ایران و چه در جایی که برای آقای سلیمانی امن باشد، در این حد. یعنی وارد جزئیات شدیم.

مجری: وارد جزئیات و پروتکل شدید.

ظریف: خب می دونید جواب آقای الفیصل چی بود؟

مجری: رد کردند؟

ظریف: یک جمله بود. عرب العل نان او یور بیزینس، جهان عرب به شما ربط ندارد.

مجری: در واقع نمی خواست

ظریف: نمی خواست، من رفتم مجمع عمومی، سال بعدش رفتم دیدن سعود الفیصل توی هتلش که اون عکسمون رو هم انداختن و خیلی ها به من فحش دادند که چرا اون بالا نشست و تو پایین نشستی. بنده خدا من را نشونده بود روی مبل راحتی، خودش کمردرد داشت نشسته بود روی صندلی. ولی خب پیرمرد بود من رفتم دیدنش، خب من ۳۰ سالم بود و سعود الفیصل رو می شناختم یعنی من از بچگی اومدم تو این کار، من

مجری: از قبل از انقلاب بود دیگه؟

ظریف: بله من ۴۵ ساله وزیر خارجه ام، من رفتم دیدنش بهش گفتم آخه چیز بود، والاحضرت بود.

مجری: شاهزاده

ظریف: آره بهش گفتم یور رویال هارنس، من همیشه بهش می گفتم والاحضرت ما می توانیم بشینیم و راجع به گذشته صحبت کنیم، هم ما حرف داریم و هم احتمالاً شما حرف دارید. می توانیم بشینیم و راجع به آینده صحبت کنیم. گفت بله من هم آماده ام و هیچ خبری ازش نشد. یعنی اینکه منطقه به جایی نرسید به خاطر این نبود، من حاضر بودم همراه با شهید سلیمانی بریم رو منطقه کار کنیم.

مجری: آقای دکتر خب ببینید ما ماجراها رو من عرض می کنم به لحاظ ژئوپلتیک ایران و عربستان هیچ گاه با همدیگر رفیق نبودند و این مشکل در دوره صفویه بود ولی به هر حال ما در دولت آقای روحانی شاهد صحنه هایی بودیم که این وضعیت را میخواست خراب تر کند، من یادمه که سال ۹۴ به دعوت یک نهاد حکومتی رفتم مشهد سخنرانی کردم این قدر توریست عرب آمده بود در مشهد که اصلا هتل های مشهد که به اندازه تمام هتل های ایران ظرفیت دارد جا نداشتند که به ما جا بدهند.

ظریف: بله همین طور است.

مجری: در حالی که من دو دفتر مقام رهبری بودم در مشهد، به یک بدبختی به یک مشکلاتی جا گرفتیم، بلافاصله بعد از این حمله به بن سلمان بود و بی تردید اصلا تمام شد.

ظریف: یعنی بزرگترین.

مجری: اون وقت شما می فرمایید؟؟؟ علتش چی بود، علتش این نبود که فکر نمی کرد که ما نماینده واقعی ایران هستیم.

ظریف: من که گفتم شهید سلیمانی را می آورم. دیگه کسی راجع به اینکه سلیمانی نماینده ایران در منطقه است تردید ندارد.

مجری: شما فکر می کنید پس چرا قبول نکردند؟

ظریف: به خاطر اینکه احساس می کردند که دست پایین را دارند در منطقه و می خواستند دست بالا را پیدا کنند خب

مجری: میشه مثل بازی الاکلنگ، من در مورد جناح چپ و راست گفتم این هیچ وقت به تعادل نمی رسه.

ظریف: این متاسفانه باز هم حاکمیت میدان اینه که سیاست تپه ای حاکم باشد یعنی سعودی ها از فروردین ۱۳۹۴ تا الان که داریم می رسیم به فروردین ۱۴۰۰ می گن سه هفته دیگه ما یمن را پیروز می شویم. الان ۶ سال گذشته است. ما در فروردین ۱۳۹۴ به صلح رسیدیم به آتش بس رسیدیم در یمن، همه چیز

مجری: کی مخالفت کرد؟

ظریف: سعودی.

مجری: ایران هیچ نقشی نداشت؟

ظریف: نه نه نه. من، آقای کری توافق کردیم، آقای کری رفت و اشنگتن با آقای عادل الجبیر که اون وقت سفیر عربستان در واشنگتن بود بهش گفت عادل الجبیر رفت ریاض برگشت. آقای کری گفت ما توافق کردیم. من داشتم سوار هواپیمای آقای رئیس جمهور می شدم با آقای رئیس جمهور برم اندونزی برای یک اجلاس ویژه کشورهای اسلامی نه سازمان همکاری اسلامی، رئیس جمهور اندونزی و ۱۰، ۱۵ تا کشور اسلامی را دعوت کرده بود منجمله ایران و سعودی. من می خواستم سوار هواپیما بشم یادمه قشنگ تو راه فرودگاه بودم آقای کری به من زنگ زد، خب اون وقت هم به موبایل من زنگ می زد دیگه. گفت ما تونستیم با سعودی ها توافق بکنیم برای آتش بس. گفتیم خیلی خب. من به انصارالله گفته بودم، انصارالله هم آماده ان، من الان دارم سوار هواپیما می شم ممکنه ۸ ساعت در دسترس نباشم.

مجری: و در عین حال سعودی ها را می بینم اونجا؟

ظریف: نه نه نه. گفتیم سعودی ها را می بینم ولی گفتیم تو همین ۸ ساعت ما حل می کنیم. گفتند بیا این شماره آقای دکتر امیر عبداللهیان معاون من، ایشون اگر شما باهانش تماس بگیرید ایشون هم به آقای سلیمانی می گه و آقای سلیمانی هم به یمنی ها می گه و ما این آتش بس را جوش خواهیم داد.

مجری: آقای دکتر ظریف خب بله چی شد؟

ظریف: من به آقای امیر عبداللهیان گفتم، آقای امیر عبداللهیان چون آقای سلیمانی به من گفته بود جنگ یمن هر یک روزی که زودتر تمام بشه به نفع ماست چون مردم کشته نمی شوند. چیزی از جنگ یمن به دست نمی آید فقط کشتار مردم است. واقعا نظرش این بود، نظر سلیمانی این بود تمام بشه جنگ. سلیمانی جنگ طلب نبود این ها را من باید بگویم، من برای همینه که سلیمانی را دوش داشتم.

مجری: بله ایشون صرفا یک فرمانده نبود.

ظریف: سلیمانی به من گفت هر چه زودتر تمامش کن، برای همین هم بود که من با اینکه در منطقه با کری صحبت نمی کردیم هر چه سعی می کرد راجع به سوریه صحبت کند ما صحبت نمی کردیم ولی راجع به یمن چون می دانستم سلیمانی می خواهد جنگ تمام شود و می دانستم که تنها کسی که می تواند جنگ را تمام کند آقا بزرگ است نه خود سعودی ها

مجری: یعنی آمریکا؟

ظریف: آقا بزرگ اون ها نه آقا بزرگ ما. کسی اشتباه نکند من نمی گویم آقا بزرگ ما است ها کدخدای ما هم نیست. آقابزرگ اوناست.

مجری: بله.

ظریف: با کری صحبت کرده بودم خیلی هم وقت باارزشی را گذاشتم واسه این کار یعنی ۲ روز از مذاکرات هسته ای در شرایط حساس تو لوزان را من گذاشتم برای این کار. خلاصه به امیر عبداللهیان گفتم امیر عبداللهیان انقدر خوشحال شد رفت مصاحبه کرد، اونم خیلی علاقه به دوربین داره. رفت فوری مصاحبه کرد.

مجری: حالا به امیر عبداللهیان هم می رسیم.

ظریف: کی، من به خدا عجله دارم باید برم.

مجری: آقای دکتر این چی شد موضوع خیلی مهمیه.

ظریف: الان می گم. به امیر عبداللهیان گفتم و امیر عبداللهیان هم رفت مصاحبه کرد که به زودی ما آتش بس داریم البته جزئیات را نگفت و این به خاطر اینکه من قصه ام را ثابت کنم شما می توانید بروید این مصاحبه آقای امیر عبداللهیان را بعد در فروردین و اردیبهشت بخوانید حالا آقای دکتر آشنا هم می تونه بگه کی سفر؟؟؟ بود به اندونزی

مجری: آقای دکتر ما جنابعالی را فقط یک میلیون بار بیشتر از آقای امیر عبداللهیان قبول داریم. بله بفرمایید.

ظریف: نه نه نه. میخوام بگم که خبر به روزنامه ها هم رفت، رسیدم به اندونزی، رفتیم فوری در جلسه، سعودی ها هم نشسته بودند، بهشون گفتم جنگ یمن تمام شد گفتند نه. اون وقت هنوز رابطه داشتیم. هنوز حمله به چیز نشده بود. زنگ زدم به امیر عبداللهیان گفتم چی شد. گفت کری به من زنگ نزد. زنگ زدم به کری. گفتم آقای کری چی شد گفت هیچی ما احمد بن سلمان زده زیرش به؟؟ دستور داده که موافقت نکن. گفتم چی می گه: گفت میگه ما سه هفته دیگه جنگ را می بریم. گفتم من به شما قول می دهم این ها ۳ هفته دیگه که هیچی ۳ سال دیگه هم این جنگ را نمی برند. گفت من هم می دانم ولی چیکار کنم این حرف را داره می زنه. این تمام شد خیلی بامزه بود. فرداش اوباما سخنرانی کرد گفت ایران مسئول ادامه جنگ است. به کری گفتم دیگه این دیگه چه کار بود؟ حالا اون ها قبول نکردند.

مجری: یعنی سعودی متوهم بود بر سر من و آمریکا تائید می کرد این توهم را؟

ظریف: آمریکا کری به من تائید کرد که این ها متوهم هستند فرداش اوباما مصاحبه کرد به جای اینکه بگه سعودی بود که مانع آتش بس شد گفت ایران است که مسئول ادامه جنگ است. از این اتفاقات زیاد افتاد.

مجری: شما این اعتراضات به جان کری کردید ایشان چه جواب داد؟

ظریف: نگاه کرد مقداری بنده را. خب ببینید تو مذاکرات برجام در نوامبر سال ۲۰۱۴ یعنی در آذرماه ۹۳ یعنی ۸، ۹ ماه قبل از امضا، امضا که نه تفاهم چون امضا نشده چیزی، ما این ها را هی می گیم هی می گن امضا. عرض کنم به حضورتون که بعد هم استناد می کنن می گن تو امضا کردی. مجبورم من دیگه بشم ملا لغتی و کلمه به کلمه را درست کنم. قبل از تفاهم.

مجری: آقای دکتر این جمله شماست؟

ظریف: نه خیر. این که جمله آقای عراقچی است و اون هم معنی دارد. بهتون می گم. نگاهش دارید تا من این را بگم. اصلا خراب کردی کار من رو.

مجری: نه خواهش می کنم.

ظریف: چی داشتیم می گفتم.

مجری: شما می فرمودید که در نوامبر آذر ۹۳

ظریف: در نوامبر، آذر ۹۳ من و آقای کری و آقای اشناین مایر ساعت ۱۰، ۱۱ صبح تفاهم رسیدیم که چارچوب توافق را اعلام کنیم. همان چیزی که در لوزان در ۱۳ فروردین اعلام شد. ۶ ماه، ۵ ماه بعد. آقای کری باشد رفت فرودگاه ژنو نه فرودگاه وین، آقای سعودالافیصل از پاریس اومد وین

مجری: همانی که تو هواپیما دیدش؟

ظریف: همانی که تو هواپیما دیدش

مجری: مهمه، این را می خواستم سوال کنم ازتون.

ظریف: خب اونجا با هم ملاقات کردند، یکی از شاهزادگان هم رفت در واشنگتن با آقای اوباما ملاقات کرد، من و آقای اشناین مایر وقتی کری رفته بود اون ملاقات را انجام بدهد همین آقای که الان شده رئیس جمهور آلمان، نشستیم با همدیگه صحبت می کردیم که امروز بعدازظهر که می خواهیم توافق را اعلام کنیم مکتوبش کنیم یا به صورت شفاهی بگیم ما روی کلیات توافق کردیم از الان یعنی کاری که ما می خواستیم بکنیم فروردین شروع کردیم به انجام دادن فروردین سال بعدش قرار بود در آذر سال قبل انجام بشه. چارچوب ها را هم توافق کرده بودیم و چارچوب ما این بود که ما ۹ هزار تا سانتریفیوژ داشته باشیم چیدمانش را عوض کنیم. خب همه این ها توافق شده بود. آقای کری رفت فرودگاه برگشت من و اشناین مایر توافق کردیم که بهتره ما الان نمی رسیم بشینیم بنویسیم بگیم شفاهی. اومد گفت توافق نداریم. بعد

مجری: یعنی سفرش را لغو کرد؟

ظریف: نه وین بود از فرودگاه برگشت پهلوی ما

مجری: سفرش به آمریکا را لغو کرد:

ظریف: نه اصلا آمریکا قرار نبود بره

مجری: فقط می خواست بره فرودگاه اون رو ببینه و بیاد

ظریف: رفت فرودگاه اون رو دید و برگشت، کاری نداشت، قرارمون هم همین بود که برگرده.

مجری: عربستان اخلاص کرد؟

ظریف: عربستان اخلاص کرد، باعث به هم خوردن توافق شد، هم به آقای کری هم به آقای اوباما قول دادم که ما قیمت نفت را به شدت پایین خواهیم آورد ایران مجبور خواهد شد توافق از نظر شما بهتری را امضا کند و لذا آن وقت متوقف شد. خب یعنی این ها بارها این بازی تکرار شد.

مجری: آقای دکتر فرض کنید که عربستان دلش نمیخواهد که ایران مسئله اش با جامعه جهانی حل شود.

ظریف: خیلی ها دلشون نمی خواهد.

مجری: بله من همیشه گفته ام که یک دولت معتدل و متعادل در ایران رابطه تخصص آمیز با جهان را تبدیل می کند به رابطه رقابتی نه رابطه دوستانه هم. ما دشمنی ممکنه نداشته باشیم. آن وقت ایران چکار می تواند بکند، این اراده حاکم بر عربستان است. ما اسیر هستیم به نظرتون؟

ظریف: نه نه. ما می توانیم همان طور که آقای هاشمی فرمودید

مجری: پس رسیدید به حرف بنده

ظریف: معلومه که می رسیم به فرمایش شما. همیشه شما درست می گوئید. نه عرض بنده این است که شما فرمودید چرا در این دوره اتفاق نیفتاد. من گفتم که

مجری: عکس آقای هاشمی، آقای روحانی، موضوع حرف ما تون این روزنامه یک چیز دیگر است ولی این عکس آقای هاشمی و روحانی است. آقای هاشمی خودش به من گفت سعید لیلان گفت که حسن روحانی عین من است.

ظریف: بله.

مجری: به من گفت سال ۱۳۹۲ وقتی، یعنی حسن روحانی نشد مثل هاشمی در این ماجرا ظریف: نه ببینید اتفاقی که افتاد این بود که در واقع پیروزی از زمانی که برجام موفق شد یک تصویری شکل گرفت که ما می خواهیم اون قدرت میدانی را فدای قدرت دیپلماتیک کنیم. مجری: یا منافع ایشون رو به هم بزنیم. آقای دکتر نظرتون راجع به این جمله چیه؟
ظریف: ببینید

مجری: راجع به این جمله بسیار انتقاد هست از تیم فعلی وزارت خارجه، کسی هم نمی داند که این را آقای عراقچی گفته یا

ظریف: مهم نیست ظریف گفته یا عراقچی، عراقچی و من هیچ فرقی با هم نداریم. یعنی من از اون آدم هایی نیستم که مسئولیت بنذارم گردن کس دیگه. آقای عراقچی خیلی بهتر و دقیق تر از من هم هست. قانونی تصویب شد در آمریکا برای جلوگیری از سفر کسانی که به ایران سفر کرده بودند به آمریکا.

مجری: همین چیزی که در دولت آقای ترامپ اجرایی شد؟

ظریف: نه نه نه. این یه قانون دیگه اس. ببینید یک برنامه ای آمریکایی ها دارند به اسم ویزو پروگرام برنامه ای که ویزا ضروری نیست برای ۱۷، ۱۸ تا کشور. یک قانونی در مجلس نمایندگان آمریکا یک قانون مهاجرت بود که آقای اوباما هم این قانون خیلی برایش مهم بود. این قانون را لحظات آخر آمدند اضافه کردند سناتورهای مخالف ما و خودتون می دونید که آقای نتانیاهو پاشد و اومد مجلس بدون دعوت رئیس جمهور سخنرانی کرد که برجام را بهم بزند لذا حرکت ها برای بهم زدن برجام فقط در ایران نبود در آمریکا هم بود.
مجری: همه جای دنیا بود بله.

ظریف: لابی صهیونیستی قانونی را برد در مجلس آمریکا در قانون مهاجرت که برای آقای اوباما خیلی مهم بود یک بندی اضافه کرد که کسانی که به ایران سفر کردند نتوانند از این ویزا استفاده کنند. خب این تصویب شد، ما به آقای کری گفتیم آقای اوباما باید این را وتو کند. آقای کری گفت آقای اوباما این را وتو نمی کند. خب، ما گفتیم این نقض برجام است پس برجام دیگه نداریم. آقای کری گفت من دستورالعمل می دهم به تمام سفارتخانه ها که هرکس این مشکل را به خاطر ایران داشت بهش ویزای ۱۰ ساله بدهند. اون یک ویزای دو ساله است ویزای ویور، این ویزای ۱۰ ساله است از نظر قانونی و اقتصادی این بیشتر می صرفه. یعنی ۱۰۰ دلار می دهد ۱۰ سال ویزا دارد در صورتی که اون یه قیمتی می دهد ۲ سال.

مجری: ۸۰ دلار می دهد ۲ ساله

ظریف: نه حالا مثلا اون امضایی که آقای عراقچی گفته تضمینه امضای آقای کری پای این نامه است

مجری: پس این را تامین دادند به کل برجام؟

ظریف: حالا یک نکته دیگه. مقام معظم رهبری فرمودند تا آمریکا تعهد نکند شما نمی توانید اقدام کنید.

مجری: یعنی حق ندارید اقدام کنید.

ظریف: حق ندارید اقدام کنید. برجام را در شرایط ۹ گانه آمریکا مقام معظم رهبری، ما برجام را تمام کردیم در مجلس بحث شد حضرت آقا ۹ تا، شورای امنیت چی شد؟ حضرت آقا ۹ تا شرط گذاشتند. یکیش این بود که آمریکا تعهد کند همه تحریم ها را بردارد قبل از اینکه شما اقدام کنید. حالا آمریکایی ها چه می گفتند.

مجری: این شرط ها را خودشان گذاشته بودند یا وزارت خارجه

ظریف: نه نه نه. خود آقا.

مجری: شما مطمئن هستید دیگه؟

ظریف: بله ما پیشنهاد ندادیم. وزارت خارجه و دولت پیشنهاد نداده این شرط را. اگر مشاورین دیگه آقا پیشنهاد دادند ما نمی دانیم ومن به **ضرس قاطع** می گویم ما تک تک اون شرایط را اجرا کردیم حتی بهتر از اونی که بود.

مجری: هر ۹ تا؟

ظریف: خب شرط اول این بود که آمریکا تضمین بدهد که وقتی شما اقدامتون رو کردید تحریم را بردارد، چرا؟ حالا ببینید براساس برجام از زمان اجرا یعنی از تیر حالا هر وقتی که اونا فکر می کردند میشه می سال بعدش که ما به اجرایی شدن برسیم ایران باید یه اقداماتی می کرد و آژانس تائید می کرد تا آمریکا تحریم ها را برمی داشت. خب آقا فرمودند شما آمدید این اقدامات را کردید آمریکا تحریم ها را برنداشت

مجری: تعهد آمریکا این جا مطرح شد.

ظریف: تعهد آمریکا این جا مطرح شد چون آمریکا نمی آمد تحریم ها را بردارد قبل از این که ما اقدام بکنیم، خب ما چکار کردیم. ما گفتیم آمریکا باید تضمین بدهد یعنی دو تا کار کردیم یکی اینکه قطعنامه شورای امنیت که تصویب شد همه اتفاقاتی که تا ۱۰ سال دیگه می افتد اتمواتیک است کما اینکه در اکتبر سال گذشته اتمواتیک بدون اینکه هیچ اتفاقی بیفته تحریم

های تسلیحاتی تمام شد. این ها خدا شاهده من از خودم تعریف نمی کنم ولی این ها از شاهکارهای دیپلماتیک سیاسی است. شاهکار دیپلماسی است. در این قطعنامه بدونید حالا این چه قطعنامه ای است. قطعنامه ای که برادران روس ما می خواستند هر ۶ ماه یکبار ما را ببرند در شورای امنیت، ما قطعنامه ای را که نه عضو شورا هستیم نه عضو دائم هستیم نه عضو عادی هستیم نه در قطعنامه نقشی داشتیم تو قطعنامه این درآمد که به محض اینکه آژانس تائید کرد ایران اقداماتش را انجام داده همه چیز لغو می شود. ولی این مال شورای امنیت بود خب این تضمین شورای امنیت بود و برای ما کافی بود اما تضمین برای خود آمریکا چه تضمینی می توانستیم بگیریم. امضای آقای اوباما، من گفتم شما به من یک تضمین بدهید آقای اوباما دستور داد به کری به وزیر خزانه داری که اگر این اقدامات را ایران انجام داد باید انجام بشه. امضا کرد هم زیرش رو. شما به من بفرمایید از رئیس جمهور آمریکا، از آقای کری ما چه تضمین دیگری می توانستیم بگیریم.

مجری: این الزامات ۹ گانه مقام معظم رهبری، بله. آقای دکتر ظریف

ظریف: رصد انجام تخلف نقض برجام با هرگونه تحریم، توسعه میان مدت و .. این ها را که انجام دادیم، معامله اورانیوم برابر کیک زرد را که انجام دادیم، نوسازی کارخانه آب سنگین اراک را انجام دادیم. مرجح متن مذاکرات است این را هم انجام دادیم. تحقیق و توسعه در ابعاد مختلف را انجام دادیم. این نقض برجام و جلوگیری از تخلفات طرف مقابل. خب ما چکار می توانستیم بکنیم، من به یکی به شوخی گفتم دختر آقای اوباما را می توانستم گروگان بگیرم بیارم ایران که تعهداتش را انجام بدهد، شما به من بفرمایید در روابط بین الملل دو دولت از هم چه تضمینی می توانند بگیرند. شما به من بفرمایید آمریکا، آیا حالا ما ساده لوح بودیم در برجام تضمین نگرفتیم یا گفتیم که امضای کری تضمین است مگه آمریکا با اتحاد جمایر شوروی توافق ندارد در مورد سالت، در مورد استالت، مگر اینا امضا شده، مگه اینا حتی مصوبه کنگره نداره، آقای ترامپ آمد بیرون. یک چیز بالاتر من به شما بگم. می رویم سراغ شوروی. ایران و آمریکا عهدنامه مودت سال ۱۹۵۵ را دارند. درسته؟

مجری: خب شما هم ارزش بیرون نیامده بودید؟

ظریف: هیچ کس ارزش بیرون نیامده، آمریکا براساس اون ما رو بارها برده سر قضایای مختلف ما هم آمریکا را بردیم. آمریکا در زمان آقای ترامپ از عهدنامه مودت خارج شد. اتفاقی افتاد اقلا من میگم برجام را همه کشورهای دنیا محکوم کردن خروج آمریکا را یا اظهار تاسف کردند

مجری: یا این قرارداد ۱۹۵۵ الجزایر؟

ظریف: صدام زد زیرش . ۷۵ رو نگه داشتیم. امروز آقای روحانی یه آیتی از قرآن را خواند خیلی آیات جالبی است. می فرماید اگر آن آیات سوره انفال را بخوانید خیلی آیات جالبیه داره راجب به شر دواب صحبت می کنه می فرماید این جانوران نزد خداوند کیا هستن. کسانی که ایمان می بندند و هربار پیمانشان را می شکنند. خب همین ها را ادامه می دهیم میایم پایین می رسیم به اون آیه آخر، اگر همین افراد برای صلح دستشان را دراز کردند بپذیر و توکل کن. حالا ما با آمریکا اومدیم پیمانی بستیم چیکارش می کردیم حالا مثلا امضای کری تعهد است، چی تضمین است، دیوان بین المللی دادگستری تضمین است؟ ما آمریکا را بردیم دیوان بین المللی دادگستری، دیوان بین المللی دادگستری رأی داد که آمریکا باید اقدامات خودش را متوقف کند و زیر بار نرفت، زیر بار که نرفت از عهدنامه ۵۵ خارج شد. ما شورای امنیت ملل متحد قطعنامه صادر کرد آمریکا نپذیرفت و اجرا نکرد.

مجری: آقای دکتر من این بحث برجام را تموم کنم خدمتتون، آیا فکر می کنید الان

ظریف: ببینید من بگم چرا برجام قرار نبود آمریکا را از بزرگ ترین قدرت اقتصادی دنیا ببرد بشونتش جای ایران. برجام قرار نبود آمریکا از بزرگ ترین قدرت نظامی دنیا بیارد بشونتش جای ایران.

مجری: کجا کوتاهی کردیم آقای دکتر

ظریف: هیچ جا کوتاهی نکردیم اصلا هیچ توافق بین المللی قرار نیست این کار را بکند. توافق بین المللی این است که شما روابط را تعدیل می کنید شما مگه چراغ قرمز که می گذارید تازه در کشور که قوه قاهره وجود دارد در جامعه بین المللی که قوه قاهره وجود ندارد به اصطلاح طبقه بندی درجات قدرت وجود ندارد.

مجری تاب هابس حاکمه

ظریف: حالا من که تاب هابس را قبول ندارم.

مجری: واقعیت قضیه این است ببینید آقای دکتر.

ظریف: قانون قرار نیست روابط قدرت را عوض کند قانون قرار است روابط قدرت را قدرتمند کند بستگی دارد.

مجری: لویاتان می خواهد و در روابط بین الملل لویاتان وجود ندارد

ظریف: قدرت قاهره نیست.

مجری: بلکه هر که زورش بیشتر باشد

ظریف: نه اینجورها هم نیست. اون زمان های شاه می گفتند یک کم هم حزب مردم زنده باد حالا یه وقتی اگر فرصت کردیم می شینیم صحبت می کنیم.

مجری: با افتخار ولی نه من می گم واقعیت قضیه شاید اینه. من یه سوال ازتون بپرسم بعد حضرتعالی ادامه بدید.

ظریف: آقا حضرتعالی قرار بود ساعت ۳ مرخص بشم از حضورتون .

مجری: تمام شد. چشم. جنابعالی فرمودید که چند بار که برجام شاهکار بود، دو تا نگاه راجع به برجام وجود دارد یک نگاهی که شما می فرمایید و می گوید که ما اشتباه نکردیم و یا حداقل اشتباه بزرگی نکردیم همه روابطی که می توانستیم را به کار بردیم، تعبیر قشنگی به کار بردید. اگر من تیم فوتبالی بودم که حریفم زمین نمی بود شما می توانستید من را سرزنش کنید که چرا ۵۰۰ تا گل نزدم ولی وقتی حریفم تو زمین روبرومونه بردن خیلی هنر است.

ظریف: حریفت تو زمین هم که باشه صفر صفر هم هنر است. وقتی ۶ تا تیم آمدن تو میدان و ما هم از چاله می خواهیم بیایم بیرون بعد هم اون ها هرکدام ۱۰۰ ها کارشناس دارند شما کل تیمت دوتا و صدها نفر هم از پشت دارن بهت خنجر می زنن. یک داکيومنت راجع به پیغمبر اکرم ص ۱۰۰ تا قرائت داریم برای ۵۰۰ سال پیش ولی راجع به یک داکيومنتی و یک وضع موجود الان دو تا قرائت وجود دارد یکی قرائت دلواپسان وطنی است که می گویند آمریکا سرما کلاه گذاشته و یکی قرائت آقای ترامپ است که می گوید ایران سر ما کلاه گذاشته است. کدوم این ها درست است؟

ظریف: خب ببینم آقای ترامپ وقتی می گوید راجع به مسئله قدرت میدانی حرفش حجت است ولی وقتی راجع به قدرت دیپلماسی ایران می گوید حرفش حجت نیست. وقتی دیروز روزنامه روزن الپست می گوید ایرانی ها بی نظیر هستند در دیپلماسی به ما که نمی گوید برای مخاطبین خودش می گوید حرفش حجت نیست اما وقتی می گوید ایرانی ها در منطقه دست ما را بستند

مجری: به هر حال داوری تون چیه در برجام

ظریف: به نظر من نمی گم برجام ۲ هیچ به نفع انتخابات است یا حتی ۳ دو به نفع ایران است در یک شرایط نابرابر ایران در برابر همه جهان یک توافق برابر کرده یعنی ما بازی سه هیچ باخته را تبدیل کردیم به جفت سه، بازی ۶ ، ۶ باخته را تبدیل کردیم به جفت هیچ یا حالا جفت شش لااقل یعنی ۶ تا گل ما زدیم به طرف مقابل. وقتی ما اومدیم تو بازی اون ۶ تا گل به ما زده بود ما اگر آقای دکتر روحانی میگه سه دو به خاطر اینکه اون سه تا گل زده ولی

قبل از اینکه آقای روحانی بیاید تو میدان سه تا گل خورده بود. ما سه هیچ بودیم. ۶ هیچ بودیم شدیم ۶، ۶.

مجری: آقای دکتر می بینید که یک روزی

ظریف: یک نکته دیگه من بگم. اگر برجام انقدر بد بود، اگر برجام انقدر یک طرفه بود چرا آمریکا نتوانست ازش استفاده کند و خارج بشه. چرا آمریکا از برجام استفاده نکرد. چرا آمریکا همین جوری زد زیر میز. نمی توانست بیاید از این قرارداد ننگین متعفن استفاده کند بگه بند ۳۷ برجام به من اجازه می دهد ازش خارج بشوم چرا نکرد؟ چون نمی توانست.

مجری: جناب آقای ظریف فکر می کنید که بعد از ۴۲ سال تجربه مداوم در یک شغل و این افتخاری است که کمتر گیر کسی می آید و به قله رسیدن این شغل، شما برای آینده روابط ایران و ایالات متحده دورنمایی می بینید که از حالت مخاصمه به رقابت تبدیل بشود و کی؟

ظریف: من اعتقاد خودم را صریح راجع به روابط ایران و آمریکا بگویم، ما در حوزه هایی مجری: راست راستش رو؟

ظریف: راست راست.

مجری: می خواهم خسته نشوید.

ظریف: خدا رحمت کنه مرحوم آقای شیخ صادق خلخالی رئیس کمیسیون روابط مجلس سوم، من رفته بودم گزارش ۵۹۸ بگم.

مجری: چه اوضاعی بوده که آقای خلخالی رئیس کمیسیون امور خارجی بود.

ظریف: آره بد.

مجری: آقای آشنا اینا چی درست کرده بودند اون موقع؟ بله می فرمودید.

ظریف: من رفتم گزارش بدم نشستم تو کمیسیون آقای خلخالی گفت آقای ظریف حالا با همون لهجه اسرار مگو را بگو. یک بار هم همان جلسه همان وقت ها منم تازه اومده بودم ایران رفتم واسه اصحاب رسانه آخرین تحولات ۵۹۸ را بگم محمدآقای هاشمی که ما بهش می گویم پدر، چون ما توی آمریکا به هم می گفتیم برادر ولی چون محمدآقای هاشمی از همه ما پیرتر بود رومون نمی شد به اون بگیم برادر می گفتیم پدر. بچه ها بهش می گفتن پدر. ما سه تا جواد بودیم، من بودم، جواد لاریجانی بود، یه جواد دیگه هم بود، سه تا برادر جواد داشتیم ولی به اون می گفتیم پدر. پدر تو جلسه با رئیس صدا و سیما بود گفتش که آقای ظریف بعد از اینکه من گزارشم را دادم لااقل تو تلویزیون نگاه می کردی آنقدری که باید ما به مردم بگیم رو به خودمون می گفتی تو اونقدر هم که به ما نگفتی. حالا من معتقدم ایران و ایالات

متحدہ ہیچ گاہ با حفظ ہویت جمهوری اسلامی رفیق نخواهد بود هیچ گاہ همه مسائل ما با امریکا ہم حل نخواهد شد. اما اعتقاد دارم ما اول باید در داخل ایران با ہم تفاهم کنیم و این کار را ہم کردم من در دهہ ۷۰ شمسی زمانی کہ دکتور روحانی دبیر شورای امنیت ملی بود چنین چیزی را نوشتم خدمت خودشان ہم تقدیم کردم. خدمت حضرت آقا ہم تقدیم کردم. قبل از این کہ برم نیویورک. ما باید یک فہرستی درست کنیم بگیم ما با امریکا این مشکلات را داریم امریکا با ما این مشکلات را دارد. یہ ستون مشکلات امریکا با ما، یہ ستون مشکلات خودمون با امریکا. این مشکلات با ہمدیگہ قابل حل است. این ۵ تا مشکل ہم ما نمی خواهیم حل کنیم بنویسیم کہ اصلا ما نمی خواهیم این مشکلات را حل کنیم. مثلا ماہیت جمهوری اسلامی نمی خواهیم حل کنیم، شناسایی رژیم صہیونیستی، نمی خواهیم حل کنیم. یک دو سہ چہار نمی خواهیم حل کنیم، نہ ما ۵۰ تا موضوع داریم ۱۵ تاں را نمی خواهیم حل کنیم. بنویسیم این ہا دورش خط می کشیم. می شینیم روبروی امریکا می گیم آقای امریکا این سیاستی کہ امریکا با چین بہ نتیجہ رسید ما با شما در این حوزہ ہا می توانیم کار کنیم در این حوزہ ہا نمی توانیم کار کنیم در این حوزہ ہا می توانیم بہ تفاهم برسیم. در این حوزہ ہا ہم با ہم اختلاف خواهیم داشت. کشورہایی کہ با ہمدیگر رابطہ دارند الزاما در ہمہ حوزہ ہا با ہم

مجری: شما این را عملی می بینید؟

ظریف: عملی می بینم، اسمش را شما می خواهید رقابت بگذارید، اسمش را می خواهید بگذارید مدیریت دشمنی حتی، مدیریت تنازع، من از کلمہ دشمنی خوشم نمی آید برای ابزار زمامداری و کمتر ہم بہ کار می برم، مدیریت تنازع، مدیریت اختلاف ما می توانیم با امریکا مدیریت اختلاف داشته باشیم حتی مدیریت تنازع داشته باشیم نیازی بہ تخاصع ہم نداریم نیازی بہ تنش ہم نداریم اولین باری کہ در تاریخ ما برای اقدام مثبتمون از امریکا ما بہ ازہ گرفتیم برجام بودہ قبل از اون اقدامات مثبت متناہی برای امریکا کردیم مجانی. چرا برای اینکہ ہیچ وقت نشستیم بگیم ما این کار را می کنیم

مجری: ما بہ ازہ چی بود؟

ظریف: اولین ما بہ ازہ این بود کہ بدون موافقت امریکا ۶ قطعنامہ فصل ہفتمی تمام نمی شد. من میگم آقای احمدی نژاد مذاکرہ ما با امریکا را غیرقابل اجتناب کرد چون بدون مذاکرہ با امریکا امکان نداشت آقای جلیلی مذاکرہ ما با امریکا را قابل اجتناب کرد. بدون مذاکرہ با امریکا امکان نداشت قطعنامہ فصل ہفتی تمام شود چرا بہ خاطر اینکہ عضو دائم می تواند ہمیشہ وتو کند. کل قطعنامہ ہا.

مجری: روی تحریم ہا چہ اثری داشت؟

ظریف: اصلا تحریم های آمریکا را ول کنیم. بدون آمریکا شما چگونه می توانستید ۶ قطعنامه فصل ۷ را کنار بگذارید. بدون آمریکا شما چگونه می توانستید از تحت فصل شورای امنیت خارج شوید. آمریکا ابر قدرت نیست اما وقتی موضوع را برد توی شورای امنیت، وقتی از شما امنیتی سازی کرد، همان کاغذ پاره ها، وقتی شما را برد تحت فصل امنیت. آقای جلیلی و آقای باقری هنوز می گن ما تحت فصل امنیت نیستیم، می دونید منظورشون چیه؟ منظورشون اینکه تحت ماده ۴۲ فصل امنیت نیستیم.

مجری: یعنی دروغ می دونید شما این اصطلاح را؟

ظریف: از دروغ بدتر فاجعه می دونم چون کسی که می خواند تو قطعنامه نوشته دی ساید ؟؟؟؟؟؟؟ چپتر، سون حتی اگر می گفت، تمام قطعنامه های تحت فصلی آخرین جمله اش می گه اکتینگ، چپتر سون. حالا این آرتیکل می تواند ۴۰ باشه، ۴۱ باشه یا ۴۲، سه مرحله اس. قطعنامه ۱۶۹۶ تحت آرتیکل ۴۰ است یعنی اقدامات موقت، وقتی گفت ۴۰ یعنی شما تهدید صلح امنیتی محرض است حالا شورای امنیت در برخورد با تهدید صلح و امنیت می گه شما این اقدامات موقتی را بدون تاثیر بر حقوق انجام بده. می رسد به ۴۱، شروع می کند به ضمانت اجرای اقتصادی، می رسد به ۴۲ اقدام نظامی. نفت در برابر قضا ۴۱ است. خب وقتی که شما رفتید تحت این فصل باید بتوانی خارج بشی. آمریکا می توانست و تو بکنی اگر با آمریکا توافق نکرده بودی الان شما ۶ تا قطعنامه داشتی. ببینید این بود شما این را گرفتید شما خروج از فصل ۷ را گرفتید شما رفع تحریم ها را هم گرفتید دو سال این کار را انجام دادید. در این دو سال ما کم کاری زیاد کردیم در داخل. ما ۸۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری آماده در ایران داشتیم. شما به عنوان یک اقتصاددان به من بگو اگر ۴۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری در ایران شده بود ما هزار تا دعاگو داشتیم. آقای ترامپ می توانست به این راحتی تحریم را بر ما تحمیل کند و اروپایی ها هم انگارشون نباشه. ما کاری کردیم که هیچ کس خدا خیر بده به ایشون، آقای دری اصفهانی خیلی خدمت کرد. زندان بود هنوز هم فکر می کنم زندان است. خب من به شما بگم مشکل ایشون. ایشان اگر نبود ما یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار را نتوانسته بودیم بگیرم. بعد از اینکه گرفت در کنار هواپیمایی که یک میلیارد و هفتصد داده بود با خانم ایرانی تو وزارت خارجه آمریکا عکس انداخته همان عکس مدرک جرم اش است.

مجری: این غلبه میدان بر دیپلماسی است این هم یکی از تجلی هاش است یا کارهای مذاکره را ممکن بود، این اتهاماتی که به ایشان زدند را قبول ندارید؟

ظریف: ایشان من جز خدمت چیزی ندیدم. دایی جان ناپلئون می گفت انقدر فاصله است بین بهشت و جهنم است.

مجری: ایشون چه خدمتی و چه مشکلی داشت؟

ظریف: این رو باید از اون هایی که می گن بپرسیم. من جز خدمت از ایشون ندیدم حالا این بحث مفصل اقتصادی برجام است که تخصصی است و منم تخصص ندارم.

مجری: راجع به وجوه اقتصادی برجام زیاد صحبت نشد؟

ظریف: حالا این ها همش بحثه، چرا کمتر راجع به این موضوع گفتیم این استراتژی بنده بود که اگر وارد بده بستان اقتصادی در برابر هسته ای بشم خطوط قرمز آقا را رد می کنم.

مجری " آقای دکتر ظریف جنابعالی

ممکن است در این استراتژیک اشتباه کرده باشم.

مجری: من یه پرسش دارم و یه خواهش. پرسش من این است که بعد از این همه سال کار کردن به ویژه با دکتر روحانی بزرگ ترین گلایه و توصیه ای که از ایشون دارید چیه به ایشون؟ فرض کنید آقای روحانی اینجا نشستن به عنوان نفر سوم.

ظریف: فکر می کنم بزرگ ترین توصیف شجاعت و توکل ایشان است که به نظر من مهم است، بزرگ ترین گلایه هم از ایشون در واقع بالا نشستنتشان و فاصله زیادی که دارند.

مجری: شما شجاع ترین وزیری هستید که این جمله را حاضر شدید بگید.

من تصدیق می کنم که شما بزرگ تر از بقیه کابینه هستید.

بزرگترین توصیه ام هم به ایشون اینه که بیشتر گوش کنند. ا

این را هم از یک وزر محترم دیگر شنیدم

آقای دکتر خواهشی که از شما داشتم اینه که ما این گفت و گو را داریم برای یک تاریخ انجام می دهیم امیدواریم که امروز ۶ اسفند ۹۹ است نمی دانیم شاید تا خرداد ۱۴۰۰ آقای دکتر ظریف یا در این کسوت یا معاون اول یا رئیس جمهور یا در منزل پیژامه به پا ولی خطاب به تاریخ و رو به دوربین چند تا جمله به آیندگان این کشور بگید لطفا از هویدای قلبتان.

من معتقدم کار برای تاریخ نکنید، چون خطاب به تاریخ دارم می گم خیلی نگران تاریخ نباشید نگران خدا و مردم باشید

تمام شد

جناب دکتر ظریف از همه تحمل و صبری که داشتید اون هم در این روزهایی که هر ثانیه شما کار بزرگیه و گرفتاری سپاسگزاریم ما خیلی خیلی سوال داشتیم همه را قیچی کردیم ازتون متشکرم.

قربان شما

و بینندگان عزیز را به خدای بزرگ می سپارم.